

آزموده‌ها

۲

مکاهی به تجریات و نیازهای روحانیون

در اعماب مقدسه

الحمد لله
الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

دییآچه	۱۱
مقدمه	۱۳
هدف از تهیه این نوشتار	۱۳
فصل اول: مسئولیت و جایگاه معنوی روحانی و مداح	۱۷
اهداف روحانی و مداح	۱۹
معرفی فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی به دیگران	۲۲
مدیریت فرهنگی کاروان	۲۲
فصل دوم: عوامل موفقیت و شکست روحانی و مداح با استناد	
به آیات و روایات معصومین و اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۲۵
شناخت هدف و داشتن انگیزه	۲۵
سفر فکر و ذکر	۲۷
تفاوت بین سفر زیارتی و سفر گردشگری	۲۸
شناخت مخاطب	۲۹
سطح معلومات و میزان فهم مخاطبان	۳۲
شناخت ابزار و روش‌ها	۳۴

- آگاهی دهی و معرفت بخشی ۳۵
- استفاده از محرک‌های مناسب ۳۶
- فصل سوم: تجربه‌ها در اماکن و رویکرد بهره‌گیری از**
- پیام‌های آن ۳۹**
- شناخت درست از مقصد سفر ۳۹
- اماکن مستند ۴۰
- نجف اشرف ۴۰
- مقام امام علی علیه السلام و صافی صفا ۴۰
- مقام امام زین العابدین علیه السلام ۴۲
- مقام حضرت مهدی علیه السلام ۴۲
- مرقد آدم و نوح علیهم السلام ۴۳
- مرقد هود و صالح علیهم السلام ۴۳
- مرقد کمیل بن زیاد ۴۴
- مسجد حنانه ۴۵
- مسجد شیخ طوسی ۴۶
- مسجد عمران بن شاهین ۴۶
- قبرستان وادی السلام ۴۷
- کوفه ۴۹
- مسجد کوفه ۴۹
- مرقد مسلم بن عقیل ۵۱
- مرقد هانی بن عروه ۵۲
- مرقد مختار ثقفی ۵۳
- مسجد سهله ۵۳
- مسجد صعصعه بن صوحان ۵۴



- مسجد زید بن صوحان..... ۵۵
- مرقد خدیجه دختر حضرت علی علیه السلام..... ۵۶
- مرقد میثم تمار..... ۵۷
- مرقد سید ابراهیم غمر..... ۵۷
- کربلای معلی..... ۵۸
- خیمه گاه..... ۵۸
- تل زنبیه..... ۵۹
- محدوده تربت..... ۵۹
- باور شرط تاثیر تربت..... ۶۱
- اماکن غیر مستند..... ۶۲
- نجف اشرف..... ۶۳
- میزاب رحمت (ناودان طلای حضرت علی علیه السلام)..... ۶۳
- کوفه..... ۶۴
- خانه امام علی علیه السلام..... ۶۴
- کربلای معلی..... ۶۶
- باغ امام صادق علیه السلام..... ۶۶
- مقام شیر فضّه..... ۶۷
- مقام احتجاج یا ملاقات امام حسین علیه السلام با عمر سعد..... ۶۹
- نهر علقمی..... ۷۰
- خیمه حضرت قاسم..... ۷۲
- مقام مشک..... ۷۳
- مقام علی اکبر علیه السلام..... ۷۴
- مقام علی اصغر علیه السلام..... ۷۵
- کف العباس علیه السلام..... ۷۶

- ۷۸..... سنگ قرمز بالای سر مبارک امام حسین علیه السلام.....
- ۷۹..... آثار و پیامدهای ترویج و تبلیغ اماکن غیر مستند.....
- ۸۱..... اعمال مسجدین سهله و کوفه.....
- ۸۲..... نکات لازم در اجرای مراسم مسجدین.....
- فصل چهارم: بایدها و نبایدهای مأموریتی ۸۹**
- ۸۹..... اینگونه باشیم.....
- ۹۰..... اخلاص.....
- ۹۰..... سعه صدر.....
- ۹۱..... تواضع.....
- ۹۲..... نرمخویی و مهربانی.....
- ۹۳..... سلاح هفت خوش.....
- ۹۳..... نوع نگاه به زائر.....
- ۹۴..... دعوت عملی.....
- ۹۶..... مناعت طبع روحانی.....
- ۹۷..... کوتاه و گزیده‌گویی.....
- ۹۹..... دسته بندی کردن مطالب.....
- ۹۹..... به یاد امام زمان [باشیم].....
- ۱۰۰..... تاکید بر معرفت افزایی.....
- ۱۰۱..... هماهنگی با مدیر کاروان.....
- ۱۰۲..... حفظ حرمت مدیر.....
- ۱۰۳..... برنامه ریزی برای طول سفر.....
- ۱۰۴..... استفاده از اوقات فراغت زائر.....
- ۱۰۴..... تأکید بر با وضو بودن.....
- ۱۰۶..... در دسترس بودن.....



۱۰۶.....	حضور در نمازهای جماعت.....
۱۰۷.....	چند نکته قابل توجه:.....
۱۰۸.....	صبروری در مواجهه با بحران.....
۱۰۸.....	بر آداب زیارت تأکید شود.....
۱۰۹.....	اصلاح حمد و سوره ها.....
۱۰۹.....	مستند، صحبت کردن.....
۱۱۳.....	اگر چیزی را نمی دانید؛ بگویید نمی دانم.....
۱۱۴.....	دَقّت در مرثیه خوانی.....
۱۱۵.....	دَقّت در صحیح خواندن متون دعاها و زیارات.....
۱۱۸.....	استفاده از اشعار مناسب.....
۱۱۹.....	تلاش در پاسداری از مرزهای عقیدتی شیعه و رشد عبودیت و بندگی.....
۱۲۱.....	رعایت نظم و انضباط.....
۱۲۱.....	اهمیت دادن به تلاوت قرآن.....
۱۲۲.....	اعتدال در شوخی.....
۱۲۳.....	کمک و محبت به زائرین.....
۱۲۴.....	توجه به شرایط عراق.....
۱۲۶.....	مدیریت زمان.....
۱۲۷.....	تشویق به نافلة شب.....
۱۲۸.....	اهتمام به آموزش احکام شرعی زائران.....
۱۲۹.....	همراهی با زائران.....
۱۳۰.....	این گونه نباشیم.....
۱۳۰.....	پرهیز از برگزاری برنامه موازی بعثه.....
۱۳۱.....	خود داری از کارهای دور از شان.....
۱۳۲.....	خود داری از بیهوده گویی.....

پرهیز از اجرای برنامه درون حرم‌ها..... ۱۳۲

پرهیز از مواضع اتهام..... ۱۳۳

پرهیز از خرافه گرایی..... ۱۳۶

پرهیز از بداخلاقی..... ۱۳۹

پرهیز از رنجاندن و تمسخر دیگران..... ۱۴۰

پرهیز از بیان مطالب تفرقه انگیز..... ۱۴۱

پرهیز از نقل خواب و یا مطالبی که موجب وهن مذهب می‌شود..... ۱۴۲

شوخی با نامحرم جایز نیست..... ۱۴۲

فصل پنجم: نمونه تجربه‌های موفق روحانیون و مداحان ... ۱۴۵

لزوم جلسه هماهنگی با مدیر کاروان قبل از حرکت..... ۱۴۵

لزوم برنامه ریزی برای طول سفر..... ۱۴۶

تشریح وظایف مدیر و روحانی به زائران..... ۱۴۷

شناسایی مسیر و اماکن قبل از حضور زائر..... ۱۴۹

لزوم اطلاعات دقیق از اماکن..... ۱۵۱

ثمرات در دسترس بودن روحانی..... ۱۵۳

استفاده از ظرفیت‌های روحانی و مداح کاروان‌های دیگر..... ۱۵۵

توجه زائران قبل از بهره مندی از ظرفیت‌های روحانی و مداح

کاروان‌های دیگر..... ۱۵۵

اعمال مسجد کوفه با نشاط و حالت معنوی اجرا می‌شد..... ۱۵۷

دیباچه

هر روزه خیل عظیمی از مشتاقان دیار عشق و محبت پای در رکاب برای زیارت بهترین بندگان خدا به سرزمین عراق مسافرت می‌کنند و با شگفتی به اماکن مقدس و اعمال آن می‌نگرند و مشتاق درس‌آموزی از حوادث و شخصیت‌های مدفون در آن هستند. باشد تا با ره‌توشه‌ای ارزشمند و میراث معنوی گرانقدر به وطن خویش بازگردند و راوی این اماکن باشند و آنچه را با چشم دل دریافته‌اند، تحفه مشتاقان راه سازند.

چون این مسافران بیشتر در قالب کاروان‌های زیارتی اقدام به این سفر معنوی می‌کنند و معمولاً روحانی و ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام در جمع آنان وجود دارد تا زائران را با فضای معنوی، اماکن، تاریخ و شخصیت بزرگان مدفون در اعتبار مقدس آشنا نماید و تقویت بعد معنوی زائران را در

این سفر بر عهده دارد، بر آن شدیم تا مجموعه تذکراتی مختصر که از جمع‌بندی مصاحبه‌ها و گزارش‌های روحانیون عتبات تهیه شده، تحت عنوان «آزموده‌ها (۲)» برای روحانیون و مداحان کاروان‌های زیارتی اعتبار مقدسه فراهم نماییم تا با عمل به آن سفری پر بار همراه با معنویت داشته باشند.

ضمن تشکر از محقق ارجمند مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای نجف نجفی روحانی رحمته الله که در تدوین این اثر تلاش بسیار کردند و تشکر صمیمانه از زحمات مسئول محترم دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری منطقه قم که نظارت بر این اثر را بر عهده داشتند، امیدواریم مخاطبان این اثر با آگاهی بیشتر و شناخت ارزنده‌تر، زیارتی عالمانه و عارفانه برای زائران فراهم سازند.

انه ولی التوفیق

مقدمه

هدف از تهیه این نوشتار

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: **وَالْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ، وَخَيْرُ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظْتُكَ،^۱**

نشانه عقل و خرد، به خاطر سپردن تجربه‌هاست. بهترین تجارب، آن است که تو را پند دهد.

برخی انسان‌ها با زیرکی و حساب‌گری خاص خود، از تجارب دیگران بهره می‌برند. بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کمک تجربه‌های دیگران به مسایل جدیدی دست می‌یابند. درحالی‌که اگر خود اتکا بودند، برای رسیدن به آن مسائل، باید زمان‌های متمادی و هزینه‌های زیادی صرف می‌کردند. بنابراین، انسان می‌تواند

۱. نهج البلاغة: نامه ۳۱؛ ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۶، حدیث شماره

با استفاده از تجارب ارزنده دیگران که حاصل سال‌ها رنج و تلاش آنان است:

۱. نقایص تجارب گذشتگان را برطرف کند؛

۲. به تجاب تازه و غیر منتظره‌ای دست یابد.

انسان می‌تواند از اندوخته‌های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد. پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید: ...
لَا حَكِيمَ إِلَّا ذُو تَجْرِبَةٍ^۱.

آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

تجربه‌های بزرگان و پیشکسوتان، چونان نردبانی است که چون پا بر آن نهیم تا دوردست‌ها را نیز خواهیم دید و از آن استفاده بهینه خواهیم برد.

اکنون که توفیق یار شده تا در هرکاروان زیارتی حضرت سیدالشهداء علیه السلام یک روحانی یا مداح مسئولیت فرهنگی آن را پذیرا بوده و با آن همراهی کند. فلسفه حضور آنان معرفت‌افزایی، تقویت بنیه اعتقادی و معنوی و ایجاد تحول در گفتار، رفتار و کردار زائران است.

بعثه مقام معظم رهبری برای پربارتر شدن این سفر معنوی و استفاده مطلوب و حداکثری از ظرفیت عظیم حضور روحانیون و مداحان، به ارائه تجربیات چند دهه خود پرداخته تا از چالش‌ها و مشکلات احتمالی پیش

۱. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۷۵.



گیری نموده و یار و یاور آنان گردد.

این آزموده‌ها که طی سالیان متمادی در سفرهای متعدد به دست آمده است. دانش پنهانی است که در میدان عمل واجرا موفق بوده و رضایت زائرین را در پی داشته و خاطرات شیرین و معنوی به یادمانی، خلق نموده است.

پرواضح است که افراد زیادی با دل‌هایی سرشار از عشق و امید برای زیارت حرم‌های مطهر ائمه معصوم علیهم‌السلام لحظه شماری می‌کنند. چه بسیاری از گذشتگان، عمری در آتش این عشق سوختند و به وصال نرسیدند. چه بسیار رزمندگانی که راه کربلا را باز کردند، لیکن کربلا را ندیده پر کشیدند و آسمانی شدند

هر مسئولی به ویژه روحانی و مداح کاروان با اندک تأمل و مروری بر این جریان به خوبی خطیر بودن رسالت خود را حس خواهد کرد و برای موفقیت هرچه بیشتر خود به دنبال تجربیات پیشکسوتان می‌گردد تا راه را برای خود نزدیکتر نماید. اگر دانش و تخصص روحانیون کاروان‌های زیارتی با تجربیات پیشین آمیخته شود، نتایج ارزنده‌تری به همراه دارد. از این رو بسیار به جاست به تجربیات و راهکارهایی که در موفقیت روحانیون کاروان‌ها مؤثر بوده، توجه کرد و از آنها بهره گرفت.

نوشتار پیش روی بیان برخی از آزموده‌های سفرهای

زیارتی برای روحانیون و مداحان جوانی است که تصمیم دارند کاروان‌های حج و زیارت را سالیان سال همراهی و هدایت کنند. امید آنکه مورد قبول این عزیزان و پیشگاه مقدس اهل بیت علیهم‌السلام قرار گیرد.

فصل اول: مسئولیت و جایگاه معنوی روحانی و مداح

مدیران، روحانیون و مداحان سه رکن اصلی سفر به عتبات هستند. وظیفه مدیران، اجرایی و وظیفه روحانی و مداح انجام امور فرهنگی کاروان است. همکاری و هماهنگی بین این ارکان بدون تداخل در کار یکدیگر ضروری و لازم است. عدم همکاری و هماهنگی این سه رکن با یکدیگر، خسارت اصلی آن متوجه زائران خواهد شد. از این رو باید تلاش گردد آثار معنوی سفر کربلا در زائران ماندگار شود و این نیازمند رعایت اصول اخلاقی، مذهبی و بایدها و نبایدهای اعلام شده به مسئولین کاروانهاست.

ماندگاری سفر عتبات این است که زائر، آثار معنوی سفر را بتواند حفظ کرده و در زندگی روزمره به کار گیرد.

مطالعه شرح وظایف تدوین شده از طرف بعثه مقام معظم رهبری برای آشنایی بیشتر با نوع وظایف، یاری دهنده روحانی و مداح در این راه است.

باید به گونه‌ای با زائران رفتار شود که هرگاه به یاد خاطرات سفر می‌افتند تصویر مثبتی از سفر کربلا، روحانی و مداح و مدیر داشته باشند.

نقش روحانیون و مداحان در حراست از میراث معنوی ائمه اطهار علیهم‌السلام، ارتقای معرفت واقعی مردم نسبت به ایشان، گسترش و ترویج معارف و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام در جامعه حائز اهمیت می‌باشد. ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ولایت پذیری، بصیرت دهی، حجاب و عفاف و بیان عبرت‌ها و الگوهای عاشورا از وظایف مهم روحانیون و مداحان نسبت به زائران عتبات می‌باشد. روحانیون و مداحان و ذاکران معصومین علیهم‌السلام نقش تأثیرگذاری در ترویج فرهنگ و معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام را بر عهده دارند.

هنر این نیست که همراه یک کاروان برای زیارت مشرف شده و چند روزی برای زائران برطبق وظیفه از امور دینی و اخلاقی بگوییم و برگردیم، بلکه هنر این است که ببینیم چقدر می‌توانیم تأثیرگذار و اثر بخش باشیم و چگونه در این سفر کوتاه می‌توانیم حتی بر یک نفر اثر بگذاریم.

اهداف روحانی و مداح

اهدافی که بر عهده روحانیون و مداحان است، عبارت‌اند از:

۱. ایجاد تغییر و تحوّل روحی، اخلاقی و رفتاری در زائران و تعمیق باورهای دینی در مردم.

خدایی که «محول الحال» است، این اعجاز دگرگون سازی و این تاثیر شگفتی ساز را، گاهی در یک «تربت» می‌نهد، گاهی در یک «زیارت» قرار می‌دهد، گاهی به برکت یک «شهید» فراهم می‌سازد، گاهی در فیض یک «نگاه» و فوز یک «نظر» می‌بخشد، گاهی «حال» را در یک «دیدار» می‌بخشد. زیارت می‌تواند منشا این تحول گردد. در اینجا است که روحانی و مداح می‌توانند با استفاده مناسب از فرصت زمانی و مکانی که در اختیار دارند، محرک این تحول شوند.

۲. ارتقای سطح آگاهی زائران در زمینه‌های دینی، متناسب با اهداف زیارت

یکی از مسئولیت‌های بزرگ علما و مبلغان اسلامی، مبارزه با جهل، نادانی، خرافات و بدعت‌ها و بیدار کردن اندیشه‌ها و گسترش هوشیاری اجتماعی در زمینه‌های مختلف است که گاهی فرد و یا جمعی

گرفتار آن می‌شوند و زمینه را برای سوء استفاده قدرت‌های استکباری و سلطه بر افکار، اعتقادات و فرهنگ جامعه فراهم می‌کنند؛ چنانچه در قرآن راجع به فرعون می‌خوانیم: ﴿فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾^۱ «فرعون قوم خود را سبک شمرد؛ در نتیجه از او اطاعت کردند. آنان قومی فاسق بودند.»

پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»^۲ چون بدعت‌ها در امت من پدید آید بر عالم است که علم خود را آشکار کند، پس هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.»

و نیز امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَتَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَانْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ»^۳ بار حفظ دین را در هر قرن، مردمان عادل‌ی بر دوش دارند که تأویل‌های باطل اندیشان و تحریف‌های گزافه کاران و ساخته‌های نادانان را از آن دور و نابود می‌کنند.»

۱. زخرف: ۵۴.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۴.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۵۱.

امروز جامعه نیاز به روحانیون دانشمند با روش‌های تبلیغی کارآمد و به روز دارد، باید به گونه‌ای در امر تبلیغ و بیان دین وارد شویم که بتوانیم نیازهایی که جامعه و به ویژه نسل جوان دارد پاسخ دهیم. بنابراین مبلغان باید در خود، ایجاد تحول کنند، چرا که این شرایط و امکانات تبلیغ که در اختیار آنها قرار گرفته برای هیچ پیامبری فراهم نبوده است.

امروز نسل جوان می‌خواهد بداند قرآن چه می‌گوید، پس باید تلاش شود پیام‌ها و معارف قرآن را استخراج و به صورت کاربردی و به روز در اختیار مخاطبان قرار دهیم.

۳. آشناسازی زائران با روح زیارت

آنکه بدون «شناخت»، امامی را زیارت می‌کند، از این دیدار، «حظ معنوی» نمی‌برد.

زائری که «شوق دیدار» در دل ندارد، چگونه لحظات حضورش در کنار مرقد یک معصوم را، سرشار از صفا و معنویت و انس بیابد؟

آنکه در حرم، به خواندن زیارتنامه می‌پردازد، بدون آنکه بداند خطاب به حجت خدا چه می‌گوید، چه تاثیری از زیارت خواهد یافت؟

آنکه زبانش به فقرات زیارتنامه و دعا می‌گردد، اما

چشمش، نظاره گر زائران گوناگون است و قیافه‌ها را دید می‌زند و مردم را «تماشا» می‌کند و دلش جای دیگری است، چگونه می‌تواند مدعی باشد که به «زیارت امام» رفته و امام را زیارت کرده است؟

معرفی فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی به دیگران

به نظر می‌رسد روحانیون و مداحان، دو وظیفه کلی بر عهده دارند:

۱. آموزش احکام و معارف به زائران؛
۲. ارائه الگوی عملی از رفتار و اخلاق اسلامی.

مدیریت فرهنگی کاروان

وظیفه اصلی روحانی و مداح کاروان، مدیریت فرهنگی است. مدیریت مانند فرماندهی کار پیچیده‌ای است و می‌دانیم هر قدر کار پیچیده‌تر باشد مشکلات آن افزون‌تر و آفاتش بیشتر است؛ به همین دلیل مدیران و فرماندهان باید دارای آرامش و اعصابی قوی، صبر و حوصله زیاد و ظرفیت کافی در رویارویی با مشکلات باشند. ابزار مدیریت، سعه صدر و گشادگی فکر است و حلم و بردباری چیزی جز ظرفیت و سعه صدر نیست. اهمیت این صفت ویژه را مانند هر صفت دیگر از نقطه

مقابل آن می‌توان شناخت. نقطه مقابل سعه صدر و حلم و بردباری همان تنگ نظری، دستپاچگی، سخت‌گیری و کینه توزی است که اثرات فوق‌العاده منفی آن در امر مدیریت و فرماندهی برای احدی پوشیده نیست. ظرفیت و سعه صدر پیامبر و امامان به راستی برای همه دست‌اندرکاران مدیریت و فرماندهی یک سر مشق بزرگ است. این بلند نظری و سعه صدر و ظرفیت وجودی برای پیشبرد کار مدیر و فرمانده چنان مؤثر است که می‌تواند دشمنان سنگدل را به دوستان صمیمی مبدل سازد. معنای لغوی حلم و بردباری، خردمندی و صبر و درک و تأنی در امور است.

فصل دوم: عوامل موفقیت و شکست روحانی و مداح با استناد به آیات و روایات معصومین و اهل بیت علیهم السلام

برای کسب موفقیت در کارها، باید اطلاعات و آگاهی و شناخت خود را نسبت به جوانب کار بالا ببریم تا بتوان با مهارت و تسلط بیشتری به انجام وظایف پردازیم. در این بخش، برخی از عواملی که زمینه ساز موفقیت در این سفر می باشد بدین شرح است:

شناخت هدف و داشتن انگیزه

سفر زیارتی معرفت زا، تحول آفرین و بصیرت افزا است این سفر می تواند زندگی افراد و جامعه را متحول و دگرگون کند؛ از این رو باید این سفر را مغتنم شمرد و مدت حضور زائر صحیح مدیریت شود و به عبارتی دیگر باید

فرصت سازی شود نه فرصت سوزی. امیربیان علی علیه السلام فرمود: «فرصت را غنیمت شمارید پیش از آنکه از دست برود و موجب حسرت و غصه گردد».^۱

براین اساس، در سفرهای زیارتی به ویژه سفر کربلا زائران از اثر پذیری ویژه‌ای برخوردار می‌شوند، به عنوان مثال در سفر عتبات وقتی مطلبی را از یک مبلغ عادی بشنوند می‌پذیرند و عمل می‌کنند، درحالی‌که همین مطلب را بارها در شهر و دیار خود از گویندگان مشهور و مطرح، شنیده‌اند و به آن ترتیب اثر نداده‌اند. پیدایش چنین حالتی در زائران مسئولیت و رسالت مبلغ کاروان را سنگین‌تر می‌کند. باید قدر این فرصت گرانبها را دانست و حداکثر استفاده را از آن نمود و با بیان شیرین ارزش‌های والای اعتقادی و اخلاقی را در جان و روان همراهان نهادینه کرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرًّا السَّحَابِ فَأَنْتَهَرُوا فُرْصَ الْخَيْرِ»^۲ فرصت چون ابر می‌گذرد، پس فرصت‌های نیک را دریابید». بسیاری از افرادی که نماز شب خوان شده، یا به مساجد می‌روند و در نماز جماعت شرکت می‌کنند، یا نگاه خود را از حرام برمی‌گیرند، یا دست و زبان خود را کنترل می‌کنند، یا

۱. «بادر الفرصة قبل ان تكون غصة» (ابن شعبه، تحف العقول، ص ۸۰).

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۱.



بانوانی که حجاب دار شده‌اند، یادگار همین سفرهای زیارتی است.

سفر فکر و ذکر

سفر زیارتی سفر فکر و ذکر است، این دو وقتی کنار هم قرار می‌گیرند ارزش والایی پیدا می‌کنند. چون فکر وقتی ارزشمند است که با ذکر همراه باشد و ذکر هم زمانی ذکر است که براساس فکر باشد. ذکر بدون فکر همانند فکر بدون ذکر، خیلی مشکل گشا نیست. ما اگر با زبان ذکر بگوییم اما ذکرمان محتوا نداشته باشد و توجه هم به محتوای آن نداشته باشیم، یا اینکه فکرمان درباره امور مبتذل و سطحی و زودگذر باشد هر دو بی ارزش است. بنابراین فکر وقتی ارزشمند است که با ذکر همراه است و ذکر زمانی معنی دارد که با فکر همراه باشد. معرفت حاصل فکر و ذکر با بیداری برابر است. بیداری از غفلت و جهل هم مهم است. بیداری یک معنی ظاهری دارد و آن بیدار شدن بعد از خواب است. اما بیداری واقعی بیدار شدن از غفلت است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

مُجِعَ الْخَيْرِ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ النَّظَرِ وَالسُّكُوتِ وَ
 الْكَلَامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَكُلُّ
 سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ

ذِكْرٌ فَهُوَ لَعُوٌّ فَطُوبَىٰ لِمَنْ كَانَ نَظْرُهُ عِبْرَةً وَ سُكُونُهُ
فِكْرًا وَ كَلَامُهُ ذِكْرًا.^۱

همه خیر در سه چیز فراهم آمده است؛ نگاه کردن، خاموشی و سخن گفتن. پس هر نگاهی که عبرت انگیز نباشد خطا است و هر خاموشی که بی تفکر باشد غفلت است و هر سخنی که خدا را بیاد نیاورد بیهوده است. خوشا به حال کسی که نگاهش عبرت، سکوتش اندیشه و سخنش ذکر باشد.

تفاوت بین سفر زیارتی و سفر گردشگری

این سفر با سفرهای گردشگری و سیاحتی به اماکن تاریخی بسیار متفاوت است. زیرا نگاه گردشگر، نگاه یک تماشاگر است؛ نگاهی است از دور و با فاصله.

زیارت و گردشگری، هر دو، مبتنی بر فرق نهادن بین مکان‌ها هستند. تفاوت بین مکان‌ها در نظر گردشگر، به تفاوت در جاذبه‌های گردشگری آن‌ها برمی‌گردد، اما تفاوت بین مکان‌ها در نزد زائر، به تفاوت میان امر مقدس و امر نامقدس راجع است. زائر با حضور در مکان مقدس، حضور در پیشگاه الوهیت را تجربه می‌کند، اما حضور گردشگر در مکانی که جاذبه گردشگری دارد، مبتنی بر

۱. شیخ صدوق، الامالی، مجلس هشتم.



غیاب امر مقدس است. از همین جاست که انگیزه و نیت زائر و گردشگر با هم فرق می‌کند. در توریسم، مقوله «نیت» و «قصد قربت» که از شرایط حضور در پیشگاه امر قدسی است، حذف می‌شود. زائر برای زیارت قصد قربت می‌کند و لذا تشریف او به اماکن مقدسه، برای فرونشاندن کنجکاوای تاریخی یا کسب لذت گردشگری نیست، بلکه سفر و سیاحت در سایه حضور در پیشگاه امر قدسی رنگ می‌بازد. زائر به نیت زیارت می‌رود، نه سیاحت. سفر زائر از مقوله «هم فال است و هم تماشا» و «هم زیارت است، هم سیاحت» نیست. او هدفی جز زیارت - که آن هم به نوبه خود وسیله‌ای است برای قرب الی الله - ندارد. اصولاً پیدایش مقوله‌ای تحت عنوان «تور سیاحتی - زیارتی» ناشی از درک مدرن از گردشگری است و از زیارت فاصله می‌گیرد.

شناخت مخاطب

دومین عامل در موفقیت در تبلیغ و راهبری کاروان‌های زیارتی شناخت درست از مخاطب می‌باشد. شناخت مخاطب کمک می‌کند تا تعامل و آموزش‌ها بر اساس نیازها و علایق مخاطب، صورت پذیرد. این شناخت، ضرورت و اهمیت دارد؛ زیرا باعث می‌شود که انتقال مفاهیم از معلم به فراگیر، آسانتر شود.

باید مخاطبان خود را طبقه بندی کنیم. برای آقایان یکسری قوانین خاص رفتاری وجود دارد و برای خانم‌ها قوانین دیگر. برای آقایان مباحث معرفتی به گونه‌ای طرح می‌شود و برای خانم‌ها به گونه‌ای دیگر.

در مقام تبلیغ و آموزش باید دقیقاً به جنسیت مخاطب توجه کنیم. مخاطبان ما از نظر سن نیز باید طبقه بندی شوند و ادبیات تبلیغ وابسته به شرایط، جنس و سن مخاطبان باشد.

باید مخاطب شناس باشیم و جنس و سن و موقعیت آنان را در نظر بگیریم و به آن دقیقاً توجه داشته باشیم.

مخاطبان، متنوع و متفاوت‌اند؛ سلیقه‌های متفاوت، گرایش‌های مختلف، تفاوت‌های فردی، ذهنیت‌ها و ظرفیت‌های ویژه، هر کدام ما را ناگزیر می‌سازد تا در اولین گام، به شناخت مخاطب پردازیم و با آگاهی از مخاطب، مطالب را آماده نماییم. بنابراین نوع برخورد با آنان، باید حساب شده و دقیق باشد.

به عنوان مثال جوانان و دانشجویان، دارای حالت تردید و نگرانی نسبت به آینده، ثابت نبودن عواطف، استقلال طلبی، فشار غریزه و پندناپذیری هستند و در همان حال، صاحب وجدان اخلاقی زنده و بیدار و نیازمند همراهی و صمیمیت و از سویی دیگر خودخواه و



مغرورند. مسلماً این دو گروه سنی متفاوت، برخوردهای جداگانه‌ای می‌طلبند. اگر زبان پند و نصیحت برای کودکان کارساز باشد، برای جوانان و دانشجویان چنین نیست و نمی‌توان با حالتی آمرانه با آنان سخن گفت. می‌توان کودکان را به کاری امر کرد؛ اما به کارگیری زبان آمرانه، برای دانشجویان نتایج نامطلوبی به دنبال دارد. با توجه به ویژگی‌های عاطفی، روحی و روانی دانشجویان، چند نکته عملی به استادان توصیه می‌شود:

(الف) با دانشجویان به زبان آمرانه و تحکم آمیز سخن نگویند؛

(ب) آنان را با ذکر موفقیت‌های بزرگان، به آینده امیدوار سازید؛

(ج) با استفاده از داستان‌های قابل استناد، فطرت و وجدان اخلاقی‌شان را بیدار نمایید؛

(د) به گونه‌ای رفتار کنید که به دوستی و صمیمیت شما ایمان آورند؛

(ه) در برابر غرور آنان، مغرورانه سخن نگویند، تواضع و فروتنی بجا، راحت‌تر آنان را به اشتباهشان آگاه می‌سازد؛

(و) خودستایی نکنید. دانشجویان به انسان‌های از خود راضی، بدبین و بدگمان هستند و در آن صورت، درس و توصیه‌های اخلاقی شما تأثیرگذار نخواهد بود.

سطح معلومات و میزان فهم مخاطبان

پیامبر اسلام ﷺ - در حدیث شریفی می‌فرماید: «کَلِمَ الناس علی قدر عقولهم؛ با مردم به اندازه دانایی و عقلشان سخن بگویند».^۱ در جای دیگر می‌فرماید: «ما پیامبران توصیه شده ایم که به اندازه خود مردم با آنان سخن بگوییم» و شاعر فارسی زبان می‌گوید: «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد» و لزوماً یکی از ارکان سخن، سخن گفتن به قدر منزلت و به میزان آگاهی و دانایی مخاطب است. برخی بدون آگاهی از سطح فهم و معلومات قبلی مخاطب به آموزش اقدام می‌نمایند.

سخنران باید شناخت درستی از مخاطب خود داشته باشد تا بتواند براساس خواست و علایق او صحبت کند چون مخاطبان دارای سطوح مختلف علمی، فکری و فرهنگی هستند به همین دلیل بدون آگاهی و شناخت درست از آن نمی‌توان سخن متناسب با آنان را داشت و روی آنان اثر مثبت گذاشت.

نحوه ادای کلمات، جملات، استفاده از واژگان و به طور کلی ادبیات مورد استفاده، برای سطوح مختلف متفاوت است استفاده از جملات توصیه‌آمیز به جای پند و

۱. سلیمانی آشتیانی، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۲،



اندرزهای بیپای نیز از دیگر مسائلی است که باید توسط گویندگان مد نظر قرار بگیرد. از آنجا که قشر جوان به نسبت سایر گروه‌ها دارای غرور خاصی است لذا نصیحت‌های زیادی وی را از عمل کردن و فراگیری باز می‌دارد و نوعی احساس خشم و نفرت را در او بیدار می‌کند.

خودستایی نیز برای تاثیرگذاری روش صحیحی نیست. برای مزین کردن سخن با تمثیل، باید از غیرخود و مثال‌هایی کاملاً منطقی و واقع بینانه استفاده کرد. همچنین نشان دادن انعطاف در مقابل ابهامات و سوالات مخاطبان نیز جزئی از اصول شناخت مخاطب به شمار می‌رود.

در هر دوره‌ای مسائل و مشکلات خاصی برای مخاطبان به وجود می‌آید که ممکن است با دوره‌های قبل متفاوت باشد. شناخت مسائل و مشکلات گروه‌های مختلف است که به عنوان مخاطب شناخته می‌شوند. برخی به ارزش‌های عرفی و هنجاری جامعه پایبندی بیشتری نسبت به سایرین داشته باشند. در اینجا گوینده یا پیام‌رسان باید به این موضوع توجه داشته باشد. همچنین توجه به اینکه ریشه مشکلات به کدام قسمت از زندگی مرتبط است نیز عاملی مهم در شناخت مخاطب محسوب می‌شود.

هیچ یک از افراد به لحاظ مذهبی در یک سطح رده بندی نمی‌شوند و با وجود اشتراک در دین، ممکن است نظریات مختلفی میان مخاطبان وجود داشته باشد. لذا هنگام بیان مطالب باید بدون تعصب کورکورانه، با استدلال و منطق با مخاطب ارتباط برقرار نمود.

در مناطق مختلف کشور، فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوتی وجود دارد. بیان نظرات با توجه به فرهنگ بومی هر منطقه یکی از نکات مهمی است که در برقراری ارتباط با مخاطب نقش مهمی را ایفا می‌کند. در واقع آداب و رسوم هر قومیت و یا گروه، جزئی از ویژگی‌های شخصیتی آنها به شمار می‌رود. لذا شناخت این قسم اهمیت زیادی دارد.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ».^۱ به ما گروه انبیا دستور داده شده است که با مردم به فراخور فهم و خردشان سخن بگوییم..

شناخت ابزار و روش‌ها

روحانی و مداح باید نسبت به سه چیز آگاهی داشته باشند:

۱. موضوع کار خود را بدانند؛
۲. ابزار کار خود را بشناسند؛
۳. با هدف کارشان آشنا باشند.

۱. مجلسی، بحار الانوار، جلد ۷۷، صفحه ۱۴۰.



زبان ما باید ساده باشد. ادبی باشد ولی بغرنج نباشد. اگر خیلی وارد سجع و قافیه شویم، کم کم کلام ما طوری می‌شود که فقط به درد ادبا می‌خورد و عموم مردم متوجه نمی‌شوند. با زبان ساده می‌توان هم روستایی بی سواد و هم استاد دانشگاه را هدایت کرد

گاهی باید گفت‌وگو و ارتباطمان با یک زائر در میان کاروان به صورت خصوصی باشد که اثرگذاری این روش بیشتر است؛ بنابراین گاهی نیاز است در یک کاروان برای یک زائر جوان بیشتر از سایرین وقت گذاشت و به او خط داد و تبلیغ خصوصی کرد.

استفاده از زمان و مکان مناسب

یکی از راه‌کارهای مناسب جهت تبلیغ دین، استفاده از زمان و مکان مناسب است. یکی از این مناسبت‌های مهم، حضور در کاروان‌های زیارتی است.

آگاهی دهی و معرفت بخشی

شاید بگویید ما جز معرفت دهی کار دیگری نمی‌کنیم. برای مثال در قالب کلاس، نماز، پس از نماز و قبل از نماز، مدام در حال آگاهی دادن هستیم، ولی گرچه بخشی از آگاهی دهی، علمی است ولی بیشتر آن عملی می‌باشد. یعنی اگر شما مطلبی را بیان کنید و مخاطب آن را در

رفتار و کردار شما مشاهده نکنند، چنین مخاطبی از نظر علمی جاهل است نه عالم.

استفاده از محرک‌های مناسب

قوی‌ترین محرک‌ها دو چیز است: یکی «تشویق به موقع» و دیگری «تنبیه به موقع» و بایستی توجه داشت که هیچ‌کدام از این دو مادی نیست. گاهی دوستان گلایه می‌کنند که به ما امکانات نمی‌دهند، تشویق و تنبیه اصلاً مادی نیست. اوج تشویق، رابطه محبت و مودت است و اوج تنبیه نبود این رابطه است. نمازخوان کردن افراد با تکیه بر مادیات چندان به صواب نیست. تنبیه نیز همین گونه است.

باید توجه داشت که اگر از روش‌های مناسبی - که مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی است - برای تبلیغ استفاده نکنیم یقیناً تبلیغ، فاقد کارایی و اثربخشی لازم خواهد بود. برای مثال، هنر یکی از این امور است. من و شما دائماً صحبت می‌کنیم و در صحبت خویش از آیه و حدیث استفاده بسیاری می‌کنیم، اما کمتر آن را هنرمندانه ارائه می‌کنیم، درست بر عکس، غربی‌ها با هنر شروع می‌کنند و چون به کار روی کودکان بسیار معتقد هستند، لذا نتیجه می‌گیرند.



برخی در موعظه برای اینکه مخاطب را تحت تأثیر قرار داده و اصلاح کنند، در گفته‌های خویش دقت نکرده گاهی به خلاف واقع گویی و دروغ روی می‌آورند؛ مانند: خواب‌های دروغ، خبر از عذاب‌های غیرواقعی، نقل حکایات بی پایه و...

مبلغ حق ندارد در تبلیغ بیش از آنچه از آیات قرآن و روایات فهمیده می‌شود بیان کند که مصداق دروغ گویی و ارتکاب حرام است.

بعضی می‌گویند: چون می‌خواهیم مردم را هدایت کنیم، اشکالی ندارد که برخی از عبادات را مقابل مردم انجام دهیم تا آنان نسبت به روحانیت خوش بین شده و هدایت شوند. این خود آغاز گمراهی مبلغ است. مبلغ نباید برای موعظه دیگران در اعمال خود از حدود اخلاص تجاوز کند که اگر به جای اخلاص، ریا، شهرت و خود نمایی جایگزین شد، او حق موعظه دیگران را ندارد؛ زیرا مردم را با گفتار خویش به گمراهی می‌کشاند.

گاهی اتفاق می‌افتد که فردی به روحانی می‌گوید مسئله‌ای، روایتی و تفسیر آیه‌ای برای ما بگویید. ممکن است مبلغ بگوید اگر برای او بگویم سخنرانی شب را مطرح کرده‌ام، از این رو از بیان علم می‌پرهیزد که این هم

یکی از مصادیق بخل ورزیدن است. چه کسی می‌تواند تضمین کند که شما تا شب زنده باشید و آن مطلب را بگویید.

زمانی اتفاق می‌افتد که بر روی منبر مطلب مناسبی به حافظه سخنران خطور می‌کند و گاهی این مطلب رزق یکی از شنوندگان است که بهتر است مبلغ از بیان آن پرهیز نکند.

فصل سوم: تجربه‌ها در اماکن و رویکرد بهره‌گیری از پیام‌های آن

شناخت درست از مقصد سفر

بدون شک یکی از رسالت‌های مهم روحانیان و مداحان جلوگیری از گسترش امور موهوم و سست و بی‌اساس است. برنامه‌های فشرده سفر زیارتی کربلا، نجف، کاظمین و سامرا فرصت بی‌نظیری برای معرفت‌افزایی است.

یکی از آسیب‌های مهم در سفر زیارتی عتبات عالیات پرداخت به امور حواشی و کم‌توجهی یا غفلت از هدف و اصل سفر است. پیامبر ﷺ به علی ع فرمود «إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَسْتَعْمِلُونَ بِالْفَضَائِلِ فَاسْتَعْمِلْ أَنْتَ بِإِتْمَامِ الْفَرَائِضِ»^۱ هر گاه دیدی مردم به مستحبات اشتغال دارند تو به کامل ساختن واجبات پرداز.

۱. مشکینی، المواعظ العددیة، ص ۲۹۳.

اصل سفر برای زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام و اصحاب ایشان به منظور تجدید عهد و پیمان و الگوپذیری در زندگی فردی و اجتماعی است. برخی از کاروان‌ها این فرصت کوتاه را صرف بازدید از اماکنی می‌کنند که یا از اساس صحت ندارد یا در جغرافیای آن مکان خدشه‌های جدی وارد است. بنابر این شایسته است این سفر به گونه‌ای فرهنگ سازی و مدیریت شود تا زائران با شوق و اشتیاق، حداکثر حضور در حرم‌های مطهر را پیدا کنند. بهره کافی از محضر امام شاهد و ناظر ببرند و زندگی خود را بر مدار روش و منش امام خویش استوار سازند.

به همین منظور در این بخش به بیان تعدادی از اماکن مستند که می‌توان زائران را برای بازدید و زیارت به آنجا برد و به بعضی از اماکن غیرمستند که شایسته نیست فرصت زائران برای حضور در این اماکن تلف شود پرداخته می‌شود.

اماکن مستند

نجف اشرف

مقام امام علی علیه‌السلام و صافی صفا

این مقام در حدود ۵۰۰ متری غرب حرم مطهر امام علی علیه‌السلام و در کنار بحر النجف واقع است و به «صفه»

صافی صفا» نیز شهرت دارد. این مکان در حقیقت مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و بارگاه ائیب الیمانی معروف به «صافی صفا» است. ائیب یمانی از شیعیان سرشناس یمن و تربیت شدگان او پس قرن‌ها بوده و در زمانی که امام علی علیه السلام در کوفه عهده دار خلافت بود، در یمن از دنیا رفت و وصیت کرد تا فرزندانش پیکر او را از یمن به کوفه ببرند.

روزی حضرت امیرمؤمنان علیه السلام کنار صحرای نجف نشسته بود. ناگاه دید ناقه سواری، جنازه‌ای را جلوی خود گرفته است و به سوی نجف می‌آید. چون نزدیک شد، به حضرت سلام کرد. حضرت پاسخ سلامش را داد و از او پرسید: «از کجا می‌آیی؟» گفت: «از یمن». گفت: «این جنازه کیست؟» گفت: «جنازه پدرم است. آورده‌ام در این سرزمین دفن کنم». حضرت فرمود: «چرا او را در شهر خود، دفن نکردید؟» گفت: «پدرم چنین وصیت کرد و گفت: مردی در آنجا دفن خواهد شد که به شفاعت او مثل تعداد ربیعه و مضر (دو قبیله بزرگ عرب) آمرزیده می‌شوند». حضرت فرمود: «آن مرد را می‌شناسی؟» گفت: «نه». حضرت، چند مرتبه فرمود: «به خدا! آن مرد، منم. حال برخیز و پدرت را به خاک بسپار». ^۱ ائیب یمانی در این مکان دفن شد.

۱. بسیاری از فقهای شیعه در متون و منابع فقهی به روایت حمل جنازه ائیب یمانی به کوفه اشاره و برای فتوای جواز حمل جناز مردگان از شهری به شهر دیگر به آن استناد نموده‌اند.

دلیل نام گذاری این بنا به صافی صفا، انتساب آن به «صفاة الصفا» می‌باشد که به معنای محل تجمع کاروان‌های تجاری مشرف بر دریای نجف است.

مقام امام زین العابدین علیه السلام

این مقام در نزدیکی حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام و در سمت قبله و با فاصله کمی از صافی صفا قرار دارد. گفته شده است که امام زین العابدین علیه السلام هنگامی که به زیارت مرقد مطهر جدش مشرف شده است، در این مکان شتر خود را می‌بست و با پای برهنه به زیارت قبر مطهر می‌شتافت و سپس بر می‌گشت و در همین مکان شب را به صبح می‌رساند و باز می‌گشت.

مقام حضرت مهدی علیه السلام

این مقام در سمت غربی شهر نجف و در قسمت آغازین قبرستان وادی السلام قرار دارد. در داخل مقام صاحب‌الزمان علیه السلام جایی وجود دارد که مقام امام صادق علیه السلام خوانده می‌شود، و ظاهراً علت تسمیه این مقام حدیثی است که از امام صادق علیه السلام در هنگام زیارت مرقد مطهر جدش روایت شده است که چون آن حضرت به نجف رسید از شترش پیاده شد و دو رکعت نماز خواند، سپس کمی آن طرف تر رفت و دو رکعت دیگر خواند، سپس

و صالح علیه السلام قرار دارد که در میان خاص و عام مشهور است. در زیارتنامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آمده است: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى جَارِيكَ هُوْدٍ وَ صَالِحٍ». اولین کسی که بر سر قبر این دو پیامبر علیه السلام بنایی ساخت علامه سید محمد مهدی بحر العلوم بود.

مرقد کمیل بن زیاد

این مرقد در بین راه نجف به کوفه و در نزدیکی مسجد حنانه قرار دارد. کمیل بن زیاد نَخَعی، جزو طایفه صهبان از قبیله نخع، از تابعین سرشناس و از یاران نزدیک امام علی علیه السلام بود. او یکی از ده نفری بود که به عنوان افراد مورد اعتماد امام علیه السلام شمرده می شدند.^۱ کمیل در نبرد جمل، صفین و نهروان شرکت داشت و مدتی از سوی امام علیه السلام حاکم هیت^۲ بود. در هیت به سبب بی تدبیری که انجام داد مورد مؤاخذه امام علیه السلام قرار گرفت؛ ولی با جبران آن، امام علیه السلام او را ستایش کرد. امام علی علیه السلام او را محرم اسرار خود شمرده و دعای حضرت خضر علیه السلام را که بعدها به دعای کمیل شهرت یافت به او آموزش داد. کمیل از یاران یمنی و صحابی خاص امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام شمرده می شود. کمیل در سال ۸۲ق. به دست حجاج بن

۱. حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۳۵.

۲. هیت، شهری در کنار رود فرات که در میان راه عراق و شام قرار دارد.

یوسف ثقفی به شهادت رسید و در این مکان که معروف به ثویه بود دفن شد.

در حیاط حرم کمیل بن زیاد مرقد شیخ احمد وائلی از سخنرانان معروف عراقی که سبک جدیدی از خطابه را پدید آورد، قرار دارد.

مسجد حنانه

در فاصله میان کوفه و نجف در منطقه ای که آن را «ثُویّه» می‌نامند، مسجدی به نام «حَنَّانَه» قرار دارد. این مکان دیواری داشته که هنگام عبور پیکر مطهر امام علی علیه السلام از نزدیکی آن به احترام عبور بدن مطهر آن ولیّ الله الاعظم خم شده و یک بار دیگر وجود حیات و شعور را در جمادات به نمایش گذاشته است.

همچنین امام جعفر صادق علیه السلام در این محل فرود آمده و نماز خوانده‌اند. هنگامی که عَلت را پرسیدند، فرمودند: «وقتی سرهای شهیدان کربلا را به کوفه می‌آوردند تا به حضور عیبده‌الله بن زیاد ببرند، سر مقدّس حضرت سید الشهداء علیه السلام را در این محل بر زمین نهاده‌اند.» و نیز در روایت مرسلی آورده‌اند که حاملان سرها در این نقطه به سر مقدّس سیدالشهداء علیه السلام بی احترامی کردند، به گونه ای که اسرا صدای ناله شان بلند شد و زمین نیز از این رفتار ناشایست نالید. از این رو این مکان به حَنَّانَه معروف شد.

مسجد شیخ طوسی

این مسجد در سمت شمالی حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام به سمت وادی السلام و در کنار مقبره سید محمد مهدی بحرالعلوم واقع شده است. محمد بن حسن بن علی بن حسن مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه از مشهورترین محدثان و فقیهان شیعه و نویسنده دو کتاب التهذیب و الاستبصار از کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه به شمار می‌آید. او در ۲۳ سالگی از خراسان به عراق آمد و از اساتیدی همچون شیخ مفید و سید مرتضی استفاده کرد. خلیفه عباسی، کرسی تدریس کلام بغداد را به او سپرد. پس از حمله ترکان سلجوقی به بغداد، هنگامی که کتابخانه شاپور بغداد در آتش سوخت، شیخ طوسی به نجف مهاجرت نمود و تدریس و فعالیت علمی خود را در این مکان شروع کرد که باعث تاسیس تدریجی حوزه علمیه نجف شد. این مکان در اصل خانه شیخ طوسی بود که ۱۲ سال در آن زندگی کرد. شیخ طوسی قبل از وفاتش وصیت کرده بود که در این خانه به خاک سپرده شود. این خانه امروزه به صورت مسجدی در جوار حرم مطهر امام علی علیه السلام قرار دارد.

مسجد عمران بن شاهین

مسجد عمران بن شاهین، یکی از قدیمی‌ترین مساجد

نجف است که امروزه در سمت شمالی صحن حرم امام علی علیه السلام و در کنار باب طوسی قرار دارد. گفته می‌شود این مسجد در اواسط قرن چهارم هجری توسط عمران بن شاهین بنا شد. عمران یکی از شورشیان علیه حکومت عضدالدوله دیلمی بود که شکست خورد و با خود عهد کرد که چنانچه سلطان از وی درگذرد دو رواق یکی در نجف و دیگری در کربلا بنا کند. همین امر اتفاق افتاد و عضدالدوله، عمران را بخشید و او را با خود به کوفه برد. عمران نیز به عهد خود وفا کرد و این بنا را ساخت.^۱

در حال حاضر، مراسمات و جلسات بعثه مقام معظم رهبری در نجف اشرف در حرم مطهر امام علی علیه السلام معمولاً در این مکان برگزار می‌گردد.

قبرستان وادی السلام

قبرستان بزرگ و تاریخی وادی السلام، در شهر نجف واقع است و از جنوب به بارگاه مطهر امام علی علیه السلام می‌رسد. این قبرستان به سبب وجود احادیثی درباره فضیلت آن، برای شیعیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

امیرالمؤمنین علیه السلام اولین بار این مکان را وادی السلام

۱. عبدالکریم بن طاووس، فرحة الغری، ص ۱۴۷.

نامید و فرمود: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي بُقْعَةٍ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا قِيلَ لِرُوحِهِ الْحَقِيُّ بِوَادِي السَّلَامِ وَإِنَّمَا لَبُقْعَةُ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ؛^۱ هیچ مؤمنی در جایی از زمین نمیرد مگر آن که به روح او فرمان دهند که به وادی السلام آید. اینجا، نقطه‌ای از بهشت است.»

در روایات فراوان آمده است که ارواح مؤمنان، پس از مرگ به این سرزمین منتقل می‌شود و عالم برزخ آنان در این مکان سپری می‌شود. چنان که ارواح فساق و فجره نیز به وادی برهوت می‌رود که در یمن است. در این باره قصه‌های زیادی از ارتباط برخی از اولیای خدا با ارواح نیکان و بدان در عالم برزخ به ما رسیده که انکار آنها به یکباره آسان نیست یا بهتر بگوییم ممکن نیست.

هر چند این مکان جایگاه ویژه‌ای در روایات دارد، لکن در عین حال خاستگاه افکار منحرف و نیت‌های نادرست دنیا طلبانه و خرافه آمیز نیز گردیده است. منفعت طلبانی که بعضاً در این قبرستان حضور می‌یابند و نام‌های زیادی را بر سنگ حک کرده و یا به دیوار می‌چسبانند که فلانی از شیراز، فلانی از تهران و... این افراد با تحریک زائران عوام و با این بهانه که بعد از مرگ روحشان به این سرزمین منتقل شود پول‌های زیادی از آنان دریافت می‌کنند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۰۰.

همچنین برخی از زائران موی خود را می‌تراشند یا ناخن خود را می‌گیرند و در این گورستان دفن می‌کنند؛ زیرا می‌خواهند، بخشی از وجودشان حتماً در وادی السلام مدفون شده باشد.

برخی افراد ساده لوح نیز با خوابیدن به روی زمین و کشیدن خطی به دور خود، تصور می‌کنند که با این کار، پس از مرگ به این سرزمین منتقل خواهند شد که نیز از روی جهالت و موجب وهن تشیع خواهد بود.

از این رو باید روحانی و مداح کاروان با ارشاد و هدایت صحیح مانع از شکل‌گیری این افکار ناصحیح در زائران گردد.

کوفه

مسجد کوفه

مسجد کوفه، که در مرکز شهر کوفه قرار دارد از قدیمی‌ترین مساجد جهان اسلام است که در سال ۱۷ه.ق بنا شد و آن زمان گنجایش ۴۰ هزار نمازگزار را در خود داشت. مسجد کوفه، یکی از مساجد مقدس است که روایات متعدد درباره فضیلت آن وارد شده است و یکی از چهار مکانی است که مسافر در آنجا منحیر است نماز خود را کامل یا شکسته به‌جای آورد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: اگر مردم به فضیلت مسجد کوفه، آگاه بودند، از راه دور، توشه برمی‌داشتند و بر مرکب سوار می‌شدند و به آنجا می‌رفتند. یک نماز واجب در آنجا، معادل یک حج و یک نماز نافله در آنجا، برابر با یک عمره است.^۱

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که مردی در مسجد کوفه، نزد امیرمؤمنان علیه السلام آمد و اظهار داشت که می‌خواهد به قصد زیارت مسجد اقصی، به مسافرت رود. حضرت به وی فرمود: مرکب را بفروش و توشه‌ات را تناول کن و در همین مسجد نماز بگذار که یک نماز واجب خواندن در اینجا، معادل با یک حج مقبول و یک نماز نافله در اینجا، برابر است با یک عمره مقبول ... و از همین مکان، کشتی نوح حرکت کرد ... و در اینجا، هفتاد پیامبر و هفتاد وصی پیامبر که من یکی از آنهایم، نماز خوانده‌اند و در این مسجد، هیچ محزون و مکروبی برای برآورده شدن حاجتی دعا نکرده، مگر آنکه خداوند حاجتش را روا و حزنش را برطرف ساخته است.^۲

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۳ و ۲۴.

۲. همان، ص ۲۹.

مرقد مسلم بن عقیل

مرقد مسلم بن عقیل در جوار مسجد کوفه و در سمت شرق آن واقع است. بر بالای مرقد گبندی طلایی قرار دارد. مسلم، فرزند عقیل بن ابی طالب، پسرعمو و سفیر امام حسین علیه السلام به کوفه بود. پدرش عقیل، برادر امیرمؤمنان علیه السلام و دومین فرزند ابوطالب و از داناترین مردم قریش به تاریخ و انساب آنان بود که پس از صلح حدیبیه، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورد. مسلم با رقیه، دختر امام علی علیه السلام، ازدواج کرد که حاصل آن، سه فرزند بود. مسلم بن عقیل در دوران خلافت علی علیه السلام در جنگ صفین حضور داشت و همراه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر در میمنه سپاه با دشمن به نبرد پرداخت. در روزگار امامت امام حسن علیه السلام نیز از یاران با وفا و برجسته آن حضرت به شمار می‌رفت. مسلم بن عقیل، سفیر امام حسین علیه السلام به کوفه بود که بعد از پیمان شکنی کوفیان به دستور ابن زیاد به شهادت رسید و بدنش از بالای دارالاماره به پایین انداخته شد. به روایتی، مردم قبیله مذحج پیکرش را در کنار دارالاماره کوفه به خاک سپردند.^۱ گفته شده است که ابن زیاد برای اینکه بتواند رفت و آمد شیعیان را زیر نظر بگیرد و یا آنان

۱. محمد حرزالدین، مرآة المعارف، ج ۲، ص ۳۱۸.

توانند در سوگ مسلم عزاداری کنند این محل را برای دفن وی تعیین کرد.^۱

مرقد هانی بن عروه

مرقد او در پشت مسجد کوفه و در جوار زاویه شمال شرقی مسجد قرار دارد بر بالای حرم او گنبد بزرگی با کاشی‌کاری فیروزه‌ای ساخته شده است. هانی بن عروه مرادی، از کسانی به‌شمار می‌آید که هم، عصر جاهلیت و هم، دوره اسلام را درک کرده است؛ اما پیامبر ﷺ را ندیده است. او از بزرگان شیعه در کوفه و از خواص اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام بود که در جنگ جمل و صفین حضور داشت. مسلم بن عقیل پس از ورود ابن زیاد به کوفه و نقض بیعت شیعیان با وی، در خانه هانی پناه گرفت و هانی بن عروه، در راه دفاع از ولایت و حمایت از سفیر حضرت سیدالشهداء علیه السلام، در سال ۶۰ ه. ق، پیش از واقعه عاشورا، به دستور عبیدالله بن زیاد، گردن زده شد و به شهادت رسید. سپس سرش را برای یزیدبه شام فرستاد و پیکرش را را در بازار کناسه بر زمین کشیدند و سپس به‌دار آویختند. امام حسین علیه السلام بر شهادت هانی گریست و آیه استرجاع را خواند و از خداوند برایش درخواست رحمت کرد.

۱. مرقم، الشهید مسلم بن عقیل، ج ۱، ص ۱۵۳.

مرقد مختار ثقفی

قبر مختار در زاویه محل اتصال قصر دارالاماره و مسجد کوفه واقع شده است و قبر او به مرور زمان مخروبه و از دیده‌ها مخفی شده بود تا اینکه علامه سید محمد مهدی بحر العلوم در هنگام تتبع آثار باقیمانده مسجد کوفه در اطراف، به سنگ قبری برخورد کرد که نام و نسب مختار بر آن نقش بسته بود. با کمک تنی چند از علمای نجف اشرف، بنایی برای آن ساخته شد. مختار بن ابی عبیده ثقفی، از شخصیت‌های مشهور شیعه در قرن اول هجری است که پس از واقعه عاشورا، در کوفه قیام کرد و موفق شد از قاتلان امام حسین علیه السلام انتقام بگیرد و بیشتر آنها را به سزای اعمال خود برساند.

مسجد سهله

مسجد سهله که در شمال غربی کوفه و در فاصله دو کیلومتری مسجد کوفه واقع است. این مسجد از مساجد مقدسی به‌شمار می‌آید که در فضیلت و آداب آن، روایات متعددی وارد شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: از اینجا، به محشر راه دارد و هفتاد هزار نفر از اینجا، بدون حساب و کتاب، به بهشت وارد می‌شوند^۱ در

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۵ و ۲۶.

روایت دیگری از ایشان نقل شده است: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده؛ مگر آنکه در مسجد سهله، نماز گزارده است».^۱ امام صادق علیه السلام فرموده است: «مسجد سهله، منزل صاحب ما (حضرت صاحب الامر علیه السلام) است؛ پس از اینکه با اهل خود قیام کند»^۲

گزارش‌هایی از تشریف به محضر امام عصر علیه السلام و ملاقات با آن حضرت در مسجد سهله نقل شده است؛ از جمله، تشریف علامه سیدمهدی بحرالعلوم است که در این مسجد، حضرت مهدی علیه السلام را در حال مناجات با پروردگار خود، زیارت نموده است.^۳ داخل شبستان، رواق‌ها و صحن اصلی مسجد سهله، مقام‌های متعددی منسوب به پیامبران و امامان علیهم السلام وجود دارد که هر یک، آداب و ادعیه مخصوصی دارد که در مفاتیح الجنان، نقل شده است. در میانه سمت جنوب مسجد جایگاه بزرگی است که بر روی گنبدی قرار دارد و به مقام حضرت حجت علیه السلام مشهور است.

مسجد صعصعة بن صوحان

یکی از مساجد متبرکه و بسیار قدیمی است که در چندصد متری مسجد سهله قرار دارد. صعصعة بن

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۵.

۳. نوری، النجم الثاقب فی احوال الامام الحجة الغائب، ج ۲، ص ۲۸۵ و ۲۸۷.

صوحان از یاران مخلص و وفادار امیرالمؤمنین علیه السلام بود که در جنگ‌های جمل، صفین و نهرآوان شرکت کرد. صعصعه در سخنوری مهارت داشت و از این مهارت در دفاع از امام علی علیه السلام و انتقاد به معاویه استفاده می‌کرد. امام علی علیه السلام صعصعه را از اصحاب بزرگ خود معرفی کرده است. امام صادق علیه السلام هم او را از معدود افرادی دانسته است که امام علی علیه السلام را آن‌گونه که شایسته است، شناخت. نقل شده است به دستور معاویه، صعصعه را به جزیره عسکر در نزدیکی بحرین تبعید کردند و او در حدود سال ۷۰ قمری در آنجا درگذشت.

برای مسجد صعصعه دعای مخصوصی بعد از نماز تحیت، خوانده می‌شود که در کتب ادعیه، در ضمن دعاهای مخصوص ماه رجب، وارد شده است.

مسجد زید بن صوحان

مسجد زید بن صوحان از مساجد شریف کوفه است که در حدود دویست متری جنوب مسجد سهله، قرار دارد. این مسجد از آثار ارزشمند منسوب به زید بن صوحان، از بزرگان اصحاب و مدافعان امیرالمؤمنین علیه السلام است.

پیش از آغاز جنگ جمل، میان کوفیان اختلاف شد که آیا از امام علی علیه السلام در مقابل عایشه حمایت کنند یا هر دو طرف را رها کنند. زید از افرادی بود که مردم را به سپاه

امام علی علیه السلام دعوت می‌کرد و خود به همراه قبیله‌اش به این جنگ رفت و در همین جنگ نیز به شهادت رسید. امام علی علیه السلام هنگام شهادت زید به او فرمود: **یرحمک الله یا زید، کنت خفیف المؤمنة، عظیم المعونه؛** ای زید خداوند تو را رحمت کند که کم هزینه و پرفایده بودی.

مرقد زید بن صوحان، امروزه در بصره واقع است. شیخ عباس قمی در *مفاتیح الجنان*، به اعمال مسجد زید پرداخته و دعایی را که زید بن صوحان در نماز شب می‌خوانده، آورده است.^۱

مرقد خدیجه دختر حضرت علی علیه السلام

این مرقد در کوفه و روبه‌روی ورودی اصلی مسجد کوفه، معروف به باب الفیل واقع است. این مرقد منسوب به یکی از دختران امام علی علیه السلام ملقب به زینب صغری است.^۲ وی همسر پسرعموی خود، عبدالرحمان بن عقیل بن ابی طالب شد و حاصل ازدواجشان، دو فرزند به نام‌های سعید و عقیل بود. همسر وی، عبدالرحمان از یاران امام حسین علیه السلام و نیز از شهدای کربلا در روز عاشورا است.^۳

۱. قمی، *مفاتیح الجنان*، ص ۴۰۷.

۲. طبرسی، *اعلام‌الوری*، ص ۲۰۳.

۳. مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۰۶.

مرقد میثم تمار

مرقد میثم تمار حدود چهارصد متری جنوب غربی مسجد کوفه و در مسیر جاده کوفه به نجف قرار دارد. میثم تمار آسدی کوفی از اصحاب خاص امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بود. از آنجا که او به شغل خرمافروشی مشغول بود، به لقب «تَمَّار» (خرمافروش)، شناخته می‌شد. میثم تمار در کوفه از همراهان و ملازمان امیرالمؤمنین علیه السلام در اوقات خلوت آن حضرت بود. امیرمؤمنان علیه السلام چندین بار، خبر شهادت میثم تمار را به او داده بود؛ وی در آخرین سال زندگی خود، به سفر حج رفت و وقتی به کوفه بازگشت، به دستور عبیدالله بن زیاد، به دار آویخته شد و به شهادت رسید.

مرقد سید ابراهیم غمر

مرقد سید ابراهیم الغمر حسنی در شمال مرقد میثم تمار، نزدیک جاده اصلی کوفه به نجف، در محله «کنده» واقع شده است. سید ابراهیم غمر، فرزند حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام است. مادر گرامی‌اش، فاطمه دختر امام حسین علیه السلام می‌باشد. وی از راویان حدیث بود و بواسطه جود و بخشش زیادی که داشت به او لقب الغمر داده شد. ابراهیم الغمر از جمله کسانی بود که منصور دوانقی بر آنها خشم گرفت. منصور دستور به زندانی

کردن ایشان داد. سید ابراهیم الغمر در سال ۱۴۵ هجری قمری درحالی که ۶۹ سال داشت به شهادت رسید. او جد سادات طباطبایی است.

کربلای معلی

خیمه گاه

خیمه گاه حسینی یا مخیم یکی از اماکن زیارتی معروف در کربلا است که در فاصله ۲۰۰ متری از حرم امام حسین علیه السلام قرار دارد. این مکان جایگاه برافراشته شدن خیمه‌های امام حسین علیه السلام و یاران ایشان در کربلا دانسته شده است. کاروان آن حضرت به مدت ۹ روز در این مکان اقامت داشتند. در واقعه کربلا آرایش خیمه‌های امام حسین علیه السلام حالت نعل اسبی داشت تا حفاظت بیشتری داشته باشد. در پشت این خیمه‌ها خندق حفر شده بود تا از آن سمت، مورد تهاجم قرار نگیرند. اولین و بزرگ‌ترین خیمه‌ای که نصب شده خیمه امام حسین علیه السلام بود که محل جلسات امام با اصحاب بود و سایر خیمه‌ها گرداگرد آن برافراشته شد.

بنابر پژوهشی، تعداد خیمه‌های کاروان امام حسین علیه السلام حدود ۶۰ عدد و فاصله میان هر کدام در حدود دو متر و محیطی که در آن قرار گرفته بودند، یک صد و هشتاد متر

بوده است^۱ پس از شهادت امام حسین علیه السلام، سپاه دشمن به خیمه‌ها هجوم آورد و اسب، شتر، اثاث، جامه‌ها و زینت‌های زنان را به غارت برد.

منطقه مخیم در سال‌های دور به نام محله آل عیسی معروف بوده است که طایفه‌ای از علویانی بودند که نسبشان به زید فرزند امام سجاد علیه السلام می‌رسد. بنای نخستین این زیارتگاه به قرن دهم قمری برمی‌گردد.

تل زینبیه

تَلَّ زَیْنَبِیَّه زیارتگاهی است در شهر کربلا، روی یک بلندی بیرون از حرم امام حسین علیه السلام که در ضلع جنوب غربی حرم واقع شده است. گفته شده است این مکان، محلی بوده که حضرت زینب کبری علیه السلام در روز عاشورا بر روی آن بلندی ایستاده و از آنجا، شاهد وقایع نبرد و شهادت حضرت امام حسین علیه السلام بود.

محدوده تربت

در سفر زیارتی کربلای معلا بسیاری از زائران در باره تربت سؤال می‌کنند و تقاضای تربت دارند باید توجه داشت که محدوده تربت تا کجاست در روایات محدوده

۱. سنگری، آینه داران آفتاب، ج ۱، ص ۱۹۷.

این خاک خوش‌بو و مقدس را به مقدار «بیست ذراع»، «بیست و پنج ذراع»، «هفتاد ذراع»، «یک میل»، «چهار میل»، «ده میل»، «یک میل» و «پنج فرسخ» از قبر مطهر است که با تعابیر «سَبْعِينَ ذِرَاعًا»^۱، «سَبْعِينَ بَاعًا فِي سَبْعِينَ بَاعًا»^۲، «عَشْرَةَ أَمْيَالٍ»^۳، «فَرَسَخٌ فِي فَرَسَخٍ مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِ»^۴، «عَلَى رَأْسِ مِيلٍ»^۵، «عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)»^۶، «فَرَسَخٌ فِي فَرَسَخٍ مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِ»^۷، «أَرْبَعَةَ أَمْيَالٍ»^۸، «عِشْرُونَ ذِرَاعًا فِي عِشْرِينَ ذِرَاعًا»^۹، «خَمْسَةً وَعِشْرِينَ ذِرَاعًا»^{۱۰} و سایر تعابیر عنوان شده است.

در جمع این احادیث صرف نظر از ضعف سند برخی از آنها می‌توان گفت در مقام بیان «الأفضل فالأفضل» است. هرچه تربت به قبر مطهر امام (ع) نزدیک‌تر باشد، فضیلت بیشتری دارد. از سوی دیگر، احتمال داده شده است که با توجه به حرمت تنجیس تربت حضرت سیدالشهداء (ع) و

۱. طوسی، مصباح‌المتجهد، ج ۲، ص ۷۳۲.

۲. ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۸۱.

۳. حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۲.

۴. کامل‌الزیارات، ص ۲۷۲.

۵. وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۳.

۶. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۸.

۷. کامل‌الزیارات، ص ۲۷۲.

۸. مجلسی، بحار‌الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۲۶.

۹. کامل‌الزیارات، ص ۱۱۲.

۱۰. همان، ص ۲۷۲.

وسعت شهر کربلا و وجود دست‌شویی‌ها در آن، تربت حقیقی همان خاک‌های نزدیک قبر شریف و حرم مطهر تا ۲۵ ذراع است و خاک‌های دورتر از آن در حکم تربت است.

باور شرط تاثیر تربت

نکته مهمی که باید به استفاده کنندگان تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام گفته شود و بر آن تأکید گردد شرط شفاء بخشی از تربت است و آن اعتقاد و ایمان به آن است. عبدالله بن ابی یَعْفُور می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «يَأْخُذُ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَيَنْتَفِعُ بِهِ وَيَأْخُذُ غَيْرَهُ فَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ فَقَالَ لَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا يَأْخُذُهُ أَحَدٌ وَهُوَ يَرَى أَنَّ اللَّهَ يَنْفَعُهُ بِهِ إِلَّا نَفَعَهُ اللَّهُ بِهِ»^۱ بعضی افراد از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمی‌دارند و از آن بهره می‌برند، اما بعضی دیگر آن را برمی‌دارند، اما بهره‌ای نمی‌برند. حضرت فرمود: نه، قسم به خداوند که جز او خدایی نیست، هرکس خاک قبر امام حسین علیه السلام را برگیرد و «اعتقاد» داشته باشد که خداوند به‌واسطه آن به او بهره می‌رساند، مگر آنکه حتماً از آن بهره‌مند خواهد شد.

تربت امام حسین علیه السلام در اثربخشی همانند قرآن است که

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۷۴.

مشروط به اعتقاد و ایمان است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾؛ «آنچه از قرآن فرو می‌فرستیم، مایه شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران نمی‌افزاید». قرآن شفا و رحمت برای اهل ایمان و اعتقاد است، ولی افراد ظالم و بی‌اعتقاد از آن بهره نمی‌برند. تربت نیز برای مؤمنین و معتقدین شفاء است. رمز عدم اثربخشی تربت و قرآن برای ظالمان و بی‌ایمان‌ها عدم قابلیت آنان است، همچنان‌که اگر بیماری با خوردن میوه پر آب و شیرین و شاداب بیماریش تشدید شود، مشکل از ناحیه آن میوه نیست، بلکه سبب محرومیت و افزایش رنجوری دستگاه هاضمه بیمار است.

اماکن غیرمستند

چنان‌که گفته شد، زائران عتبات عالیات در سفر زیارتی خود علاوه بر حریم‌های مطهر امامان معصوم علیهم‌السلام از اماکنی بازدید و آنها را زیارت می‌کنند که برخی از آنها فاقد ریشه و سند معتبر بوده و برخی درعین مثبت و مستند بودن در هاله‌ای از عقاید خرافاتی و باورهای نامعقول گرفتار شده‌اند و این پیرایه‌های خرافه

آمیز، سیمای زیبای این آثار و پدیده‌ها را نیز زشت و مشوه جلوه می‌دهد. در این بخش، این اماکن را به اختصار بررسی می‌کنیم.

نجف اشرف

میزاب رحمت (ناودان طلای حضرت علی علیه السلام)

درون صحن امام علی علیه السلام و در سمت قبله حرم مطهر ناودان طلایی قرار دارد که در سال‌های اخیر شهرت یافته است. برخی از ایرانی‌ها در وقت مشایعت به هم سفارش می‌کنند که هنگام تشرّف به نجف زیر ناودان طلای حضرت علی علیه السلام برایم نماز بخوان یا برایم دعا کن! گاهی هم اطراف حرم، زائران سرگردانی دیده می‌شوند که به دنبال ناودان طلا در حرم می‌گردند. برخی از عراقی‌ها به این ناودان میزاب رحمت نیز می‌گویند. این ناودان که کم‌کم شهرتش افزایش یافته و شانه به شانه ناودان طلای کعبه می‌زند. از هدایای نادرشاه افشار به حرم امام علی علیه السلام است که در سال ۱۱۵۶ هـ. ق به زیارت حضرت مشرف شده و گنبد و گلدسته‌ها و ایوان حرم را طلاکاری کرده است. بنا بر این، تأکید بر نماز یا دعا در زیر این ناودان از همان بافته‌های عوامانه است که اصل و ریشه قابل توجیهی ندارد.

کوفه

خانه امام علی علیه السلام

خانه امام علی علیه السلام در کوفه در زاویه جنوب غربی مسجد کوفه و متصل به ضلع غربی دارالاماره کوفه، قرار دارد. داخل خانه، اتاق‌ها و جایگاه‌هایی منسوب به امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان، وجود دارد. تردیدی نیست که امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان خلافتشان در کوفه در خانه‌ای سکونت داشته‌اند. ولی اینکه محل سکونت ایشان در کجای کوفه قرار داشته و آیا بیرون یا درون دارالاماره بوده است، اطلاع دقیقی در دست نیست. هر چند به علت مجاورت این مکان در نزدیکی دارالاماره کوفه و البته شهرت این محل به عنوان خانه امام، دلیل بر رد آن را ضعیف می‌کند اما تقسیمات درون این خانه، قطعاً با روایات امام سازگاری نداشته و ساخته و پرداخته ذهن کسانی است که در سال‌های آخر حکومت صدام آن را بازسازی کرده‌اند. اختصاص مکانی به عنوان مکتب الحسنین علیه السلام در این خانه، با اعتقاد به علم لدنی امام، فاقد توجیه عقلانی است. آن دو امام بزرگوار در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در حدود سی و پنج سال سن و دارای زندگی مستقل بوده‌اند و ترسیم چنین مکتبی در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام برای آن دو

بزرگوار قابل توجه نیست. برخی کوشیده‌اند، با ترجمه کلمه مکتب به معنی محلّ تدریس یا دفتر کار، مشکل را حل کنند که آن هم قابل پذیرش نیست؛ زیرا چگونه اتاقی به این کوچکی آن هم درون خانه مسکونی امام و در کنار خانواده آن حضرت می‌توانسته است، محل تدریس یا دفتر کار اداری آن هم برای دو نفر باشد. در این صورت تردّد شاگردان یا ارباب رجوع به درون خانه شخصی امام چگونه قابل توجه است؟ گرفتن مکتب به معنای مکتبه یعنی کتابخانه هم درست نیست؛ چون امام مستغنی از داشتن کتابخانه و مراجعه به کتاب است.

بی تردید نمازهایی که برای قسمت‌های مختلف این خانه تشریح و ابداع کرده‌اند، مانند نماز مکتب‌الحسین یا نماز چاه امیرالمؤمنین یا نماز مغتسل امیرالمؤمنین یا نماز اتاق حضرت زینب و ام البنین فاقد جاهت و ریشه درست و مستند بوده و موجب وهن شیعه است؛ مگر آن که به زائران گفته شود، در این فرصت‌ها، نمازهای مأثوری از قبیل نماز هدیه به امام علیه السلام یا نماز حاجت یا نمازهای اداء و قضای یومیه به جا آورند.

روزانه جمع زیادی از زائران عراقی جهت بازدید از این خانه به این محل می‌آیند. وجود راهروهای تنگ و نبود مکان مناسب برای گزاردن نماز، سبب تلاقی نامحرمات و

برخورد با یکدیگر می‌گردد که خود آفاتی است که باید از آن اجتناب شود.

کربلای معلی

باغ امام صادق علیه السلام

این باغ، در شمال شهر کربلا و در فاصله حدود یک کیلومتری از حرم امام حسین علیه السلام قرار دارد و گویا برخی این مکان را محل اقامت امام جعفر صادق علیه السلام، در زمان زیارت قبر جدشان سید الشهداء علیه السلام در کربلا، دانسته‌اند. گفته می‌شود این مکان به دست یکی از صوفیان بکتاشی، به نام جهان دده، متخلص به کلامی، در سده دهم هجری ساخته شد و مالک فعلی این باغ با احداث ضریح در این مکان و تبلیغ این مکان به باغ امام صادق علیه السلام به دریافت نذورات می‌پردازد.

هر چند حضور امام صادق علیه السلام در کربلا برای زیارت جدشان در منابع تاریخی ثابت شده است، اما نسبت آن تاریخ با این جغرافیا قابل اثبات نیست و عبارت شنیده‌ها برای این مکان، اطمینان بخش نیست. شکل گیری ضریح، دریافت وجوه، ابداع نماز، خرمای متبرک باغ امام صادق علیه السلام و ... فاقد وجاهت و ریشه درست و مستند بوده و موجب وهن تشیع است.

متأسفانه وجود این اماکن فاقد سند، وقت، انرژی و فرصت ارزشمند زیارت سیدالشهدا علیه السلام را از زائران سلب می‌کند و بازدید از آن سبب رسمیت بخشیدن به این اماکن نیز می‌گردد.

مقام شیر فضه

مقام شیر فضه در فاصله ۲۰۰ متری حرم امام حسین علیه السلام و در محله باب النجف، در کوچه‌ای به نام شیر فضه واقع است و به فضه کنیز حضرت زهرا علیه السلام منسوب است. مقام شیر فضه در تعارضات مسلم تاریخی است و فاقد وجهت است.

داستان شیر فضه این‌گونه نقل شده است: هنگامی که امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسید، دشمنان خواستند بدن اطهرش را زیر سم ستوران قرار دهند، فضه کنیز حضرت زهرا علیه السلام در کربلا بود، جریان را به زینب علیه السلام خبر داد، و سپس گفت: ای بانوی من، سفینه، غلام آزاد شده، رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بر کشتی شده بود، و به سفر می‌رفت، کشتی شکست و خود را (به کمک امواج دریا) به جزیره ای رسانید، در آنجا شیری دید، هراسان شد و به شیر گفت: من غلام پیامبر صلی الله علیه و آله هستم. شیر برای او فروتنی کرد، تا آنجا که (او را سوار بر پشت خود کرد و) به جاده

راهنمایی نمود، اکنون همان شیر در ناحیه ای از این دشت است، به من اجازه بده نزد او بروم و جریان را به او بگویم (تا همان گونه که آن شیر، سفینه را از نگرانی خارج ساخت، ما را نیز از نگرانی بیرون آورد). فضه نزد آن شیر رفت و گفت: آیا می دانی که می خواهند بدن اطهر امام حسین علیه السلام را زیر سم ستوران قرار دهند؟ شیر برخاست و به قتلگاه آمد، دست های خود را روی پیکر امام حسین علیه السلام نهاد، سواران به طرف بدن مطهر آمدند، هنگامی که آن شیر را دیدند، عمر سعد گفت: فتنه و بلائی دیده می شود، تا خاموش است آن را برنینگیزید، باز گردید و پراکنده شوید. سواران، ترسیدند و بازگشتند.

بر اساس این داستان، فضه در این مکان از یک شیری می خواهد که جلوی اسب تاختن بر روی جسد مبارک امام حسین علیه السلام را بگیرد و شیر درخواست را اجابت می کند. این داستان از سند و اعتبار کافی، برخوردار نیست و با واقعیت های تاریخی تناقض و مخالفت دارد؛ زیرا لگدمال شدن پیکر مطهر امام علیه السلام زیر سم اسبان در روز عاشورا، از وقایع مسلم حادّثه عاشوراست که در همه مقاتل، نوشته شده است. و در قیام مختار، کلیّه کسانی را که در روز عاشورا، با اسب بر بدن مقدس امام حسین علیه السلام و شهدا تاختند و تعدادشان ده نفر بود، دستگیر کردند و

مجازات شدند.^۱

مقام معظم رهبری در ضمن رد تلویحی این داستان بیان داشتند: مثلاً فرض کنید که ماجرای شیر فضه را که حالا اصل قضیه هم معلوم نیست چطور باشد، این را بیایند شبیه کنند و شکل یک شیری را مثلاً بکشند حالا این شیر چی را مثلاً نشان خواهد داد و کدام بعد از ابعاد حادثه حسینی را می‌تواند نشان بدهد؟^۲

از زمان ساخت این مقام، اطلاعی در دست نیست. اما در سال ۲۰۰۳م، صاحب‌خانه مجاور مقام، آن را بازسازی کرده است. اتلاف وقت گران‌بهای زائران به بازدید از این مکان که نه تنها بار معرفتی ندارد، بلکه سبب ایجاد شبهات تاریخی در ذهن زائران می‌گردد، را نمی‌توان نادیده گرفت.

مقام احتجاج یا ملاقات امام حسین علیه السلام با عمر سعد

مقام ملاقات امام حسین علیه السلام و عمر بن سعد، در فاصله ۲۵۰ متری شمال حرم مطهر امام حسین علیه السلام، در محله باب السالمة و در قسمت پایانی بازار کربلا قرار دارد. گفته شده است این مکان، محل دیدار امام حسین علیه السلام با عمر

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۷۴؛ ابن طاووس، لهوف، ص ۱۸۳.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه تهران ۱۶/۶/۱۳۶۶.

سعد، پیش از شروع جنگ، بوده است.

این مقام در سال ۱۱۱۳ ه. ق، ساخته شده است. صرف نظر از اینکه ضبط جغرافیای این مکان، در هیچ یک از منابع تاریخی انجام نشده است و مربوط به قرن اخیر است، آیا با وجود حرم مطهر امام حسین علیه السلام، این مکان ارزش ترک کردن زیارت سیدالشهدا علیه السلام و بازدید از آن را دارد؟

نهر علقمی

نهر علقمه یا علقمی، شاخه‌ای از فرات بود، که در نزدیکی هیت و انبار از فرات جدا شده، به سمت جنوب متمایل شده و سرانجام به کوفه می‌رسید. امروزه نهر علقمه از میان رفته است و در کربلا محل دقیق آن نهر مشخص نیست. و کسی هم مدعی آن نیست. چرا که در این یک هزار و چند صد سال به اندازه‌ای تغییرات و جابه‌جایی‌ها و ساخت و ساز در کربلا صورت گرفته است که نمی‌توان معین کرد، حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور دقیق برای آوردن آب به کجا رفته است و از کجا آب آورده است؟

نهر آبی که اکنون در شمال کربلا و در کنار مقام منسوب به امام زمان علیه السلام جاری است، نهر الحسینی نام دارد و از محله‌ای به نام الحسینی در حدود پانزده

کیلومتری کربلا از فرات اصلی منشعب شده است، تا آب زمین‌های زراعی بین راه خود را تامین کند. متأسفانه فاضلاب‌های شهری از خانه‌ها و هتل‌ها به این نهر سرازیر می‌شوند که آب این نهر را آلوده کرده است. در حال حاضر، در قسمتی از حاشیه نهر حسینی، پلکان سیمانی وسیعی ساخته شده است. این محل مورد استفاده کاروان‌هایی است که در این مسیر تردد می‌کنند. برخی از روحانیون و مداحان در این مکان به ذکر مصیبت می‌پردازند و در ذهن زائران این تداعی می‌گردد که این مکان، محل آب آوردن حضرت عباس علیه السلام بوده است و پس از آن اقدام به برداشتن آب به عنوان تبرک می‌کنند.

در مفاتیح الجنان تأکید بر انجام غسل زیارت با آب فرات شده است و در منابع تاریخی برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام از غسل ائمه اطهار و حتی جابر بن عبدالله انصاری با آب فرات یاد شده است و هم چنین از بیان شرافت آب فرات روایاتی رسیده است. باید به این نکته توجه داشت که آب شهری تصفیه شده در هتل‌ها و منازل از آب فرات گرفته می‌شود که در اختیار زائران قرار می‌گیرد. بنا بر این اگر زائر نذر هم کرده باشد که در آب فرات غسل کند وقتی در حمام هتل غسل کرد، به نذرش عمل کرده و ذمه‌اش بری شده است.

خیمه حضرت قاسم

در قسمتی از خیمه‌گاه حسینی مکانی با نام خیمه حضرت قاسم بنا شده است که این امر موجب گردیده برخی داستان عروسی حضرت قاسم را که ریشه معتبری ندارد، مطرح کنند. متأسفانه شنیده شده است که معدودی نیز اظهار داشتند که اگر امام حسین علیه السلام از دشمن مهلت خواست و جنگ را یک شب به عقب انداخت، برای اجرای مراسم عروسی قاسم بوده است. از مسلمات تاریخی است که علت مهلت خواستن امام حسین علیه السلام در کلامشان خطاب به برادرش ابوالفضل علیه السلام ذکر شده است که فرمود: برادرم! من از مرگ و جنگ واهمه‌ای ندارم ولی به نماز و تلاوت قرآن علاقه‌مندم. با اینان سخن بگو و اگر می‌توانی یک امشب را برایم مهلت بگیر تا به نماز و تلاوت پردازم. نیمه شب هم وقتی جاسوس عمر سعد از اطراف خیمه‌ها بازدید کرد به وی چنین گزارش داد که: «لَمْ دَوِيَ كَدْوِي النَّحْلِ» یعنی خیمه‌های اینان به سان لانه‌های زنبور است، همگی سرگرم دعا و تضرع و مناجات و تلاوت و نماز هستند.

محدث قمی در منتهی الآمال و نفس المهموم، دامادی قاسم را رد می‌کند. حاجی نوری هم بر این باور است که ملاحسین کاشفی، اولین کسی است که این مطلب را در

کتاب روضة الشهداء آورده و اصل قضیه دروغ است. داستان ساختگی عروسی قاسم در صحرای کربلا تحریف تاریخی است که متأسفانه معدودی به ذکر آن می‌پردازند. این ماجرا نه تنها در منابع اصیل و معتبر ذکر نشده است بلکه ثمره آن انحراف و تنزل حماسه حسینی به یک افسانه‌ای سمبلیک و عاشقانه را در پی خواهد داشت. این انحراف سبب شکل‌گیری باور عوامانه‌ای می‌گردد که خود زمینه ساز انحرافات بعدی خواهد بود.

مقام مشک

در سمت قبله حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام نماد مشکی در وسط میدان ساخته شده که بنای آن مربوط به همین سنوات اخیر است و به عنوان نمادی از عطش و آب و تشنه کامی است و سابقه‌ای در تاریخ گذشته این سرزمین ندارد. متأسفانه مشاهده شده است که برخی این مکان را به عنوان مقام مشک حضرت ابوالفضل علیه السلام معرفی کرده و زائر را بر این باور می‌رساند که در این مکان مشک آب حضرت عباس علیه السلام بر زمین افتاده است. باید مراقب این مسئله بود که مبادا به هدف ساخت نماد و یادمان، ارزش معنوی مقام را که به عنوان محل دقیق ایستادن معصوم و اهل بیت علیهم السلام است را به حاشیه کشاند.

مقام علی اکبر علیه السلام

این مقام در شمال حرم مطهر امام حسین علیه السلام و در انتهای کوچه‌ای در محله باب الطاق قرار دارد. به گفته اهالی، تاریخ بنای آن، به حدود ۱۵۰ سال قبل، بازمی‌گردد. این مقام، به عنوان محل فروفتادن حضرت علی اکبر از اسب در روز عاشورا، دانسته شده است.

تصور این امر که در روز عاشورا و آن گیر و دار نبرد، آیا کسی به فکر نشانه گذاری این مقام بوده است و بر فرض این امر، چرا در هیچ یک از منابع روایی و تاریخی ذکری از آن مقام نشده است. چرا این مقام‌ها توسط هیچ کارشناس و محقق معتبر و مطمئنی مورد تصدیق قرار نگرفته است و امروز با کدام دلیل اطمینان بخشی می‌توان مدعی محل دقیق وقوع این ماجرا شد؟ نهایت آن مطلوبی که می‌توان به این مکان‌ها نسبت داد با عنوان یادمان و به عنوان نمادی از یادآوری رشادت حضرت علی اکبر علیه السلام در نبرد لحاظ نمود که در این صورت نیز، شایسته نیست تا فرصت حضور در حرم مطهر سیدالشهدا علیه السلام را که در آن پیکر مطهر حضرت علی اکبر علیه السلام مدفون است را رها کرده و به این مکان که صرفاً با عنوان یادمان از ایشان باشد، حضور یافت.

مقام علی اصغر علیه السلام

این مقام در شمال حرم امام حسین علیه السلام و در نزدیکی مقام علی اکبر علیه السلام واقع است. به گفته اهالی منطقه این مکان، محل شهادت طفل شش ماهه امام حسین علیه السلام بوده است. تعیین این مکان به عنوان محل شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام در هیچ کدام از منابع معتبر ذکر نشده است و این مکان نیز از جمله اماکن نوپدید در کربلا به شمار می‌آید.

حضور در مکان‌هایی که به خاطر عشق و ارادات به ساحت مقدس اهل بیت عصمت علیهم السلام است متأسفانه زمینه‌ای را برای سودجویان فراهم نموده.

یکی از دوستان تعریف کرد که خانمی از همراهان ما وقتی چشمش به گهواره موجود در مقام جعلی علی اصغر علیه السلام افتاد، چند دقیقه بر مظلومیت آن حضرت گریست و ناگهان گردنبند و انگوها و گوشواره‌ها و همه جواهر آلات همراه خود را یک جا در گهواره انداخت و رفت. به راستی دست این سودجویان را چه کسی باز کرده است؟ اگر این زائران عاشق را به این اماکن نمی‌بردیم چنین اتفاقی می‌افتاد؟ آیا عمل ما مورد تأیید سالار شهیدان است؟

کف العباس علیه السلام

کَفُّ الْعَبَّاسِ یا مقام کف‌العباس نام دو مکان در قسمت شمال شرقی و جنوب شرقی حرم حضرت عباس در کربلا است که گفته می‌شود دست‌های حضرت عباس علیه السلام در روز عاشورا در این مکان‌ها از تن جدا شده و به زمین افتاد. این دو مقام به مقام دست راست و مقام دست چپ حضرت عباس معروفند. طبق گفته مورخان تاریخ کربلا، این دو مقام قطعیت ندارند و به احتمال قوی، نمادین‌اند. لازم به توضیح است که این نوشتار با نفی این مقام هرگز به دنبال تردید از اصل واقعه نیست؛ چنان‌که تردیدی نیز وجود ندارد. بلکه تعیین یک مکان خاص برای وقوع هر یک از این حوادث در روز عاشورا نیازمند دلیلی متقن و عقلانی است و چنین دلیلی مسلماً وجود ندارد.

گزارش وقایع محرم سال ۶۱ هجری در کربلا با همه جزئیاتش هم در متون تاریخی و هم در متون حدیثی و روایی شیعه آمده است. قدیمی‌ترین گزارش تاریخی حوادث یاد شده مقتل ابی‌مخنف است که یک مورخ شیعی بوده و همین مقتل منبع گزارش حوادث کربلا در تاریخ معروف طبری است و دیگر مورخین تقریباً هرچه

دارند، از طبری گزارش کرده‌اند. همچنین محدثین بزرگوار در طول تاریخ هزار و چند صد ساله گذشته جزئیات همین حوادث را در معتبرترین آثار روایی خود بیان کرده‌اند، از قدیمی‌ها می‌توان ابن قولویه را نام برد و پس از وی به ترتیب شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی، و بعد از آنها سید بن طاووس صاحب اثر ماندگار لهوف و به دنبال او مرحوم مجلسی که با دقت و وسعت در بحارالانوار (عربی) و حیوة القلوب و جلاء العیون (فارسی) و غیر آنها رخداد کربلا را آورده‌اند. این اواخر هم محدث بزرگ حاج میرزا حسین نوری طبرسی و شاگردش محدث قمی صاحب نفس المهموم همین راه را طی کرده‌اند. اگر همه این آثار فخیم و گران سنگ را زیر و رو کنید، در هیچ یک از آنها اشاره‌ای به مقام علی اکبر و علی اصغر نشده و نامی از محل قطع دست‌ها به میان نیامده است که اگر بود به یقین آنها هم از آوردن گزارش آن دریغ نمی‌کردند.

این مقام‌ها مربوط به همین چند دهه اخیر است که با نگاهی خوشبینانه باید گفت کسی که از صفای باطن برخوردار بوده اینها را معرفی کرده و اگر قدری واقع‌بینانه قضاوت شود، باید گفت که این‌گونه پنداشت‌ها ریشه در جهل جاهلان یا غرض‌ورزی مغرضان و گاهی با نگاه سودجویانه بوده است.

سنگ قرمز بالای سر مبارک امام حسین علیه السلام

در سمت سر مقدس امام حسین علیه السلام و درکنار ضریح مطهر سنگ قرمزی بر زمین نصب شده که جمعیت بر آن ازدحام می‌کنند و نوبت می‌گیرند تا روی آن بایستند و نماز بخوانند. در باره تاریخ و ماهیت این سنگ، متوکیان حرم امام حسین علیه السلام می‌گویند، زمانی که هنوز حائل میان زنان و مردان در این مکان نصب نشده بود و خیل زائران، مشتاق بودند که در سمت بالای سر مبارک امام علیه السلام نماز بخوانند، گاهی به خاطر ازدیاد جمعیت و عدم توجه، زائران به تدریج جلو می‌رفتند به حدی که جلو تر از قبر مطهر به نماز می‌ایستادند و مراجع عظام تقلید برای نماز در حرم امامان معصوم علیهم السلام حدی قائل‌اند و نماز مقدم بر امام را برخی صحیح نمی‌دانند، لذا این سنگ قرمز به عنوان نشانه محاذات، نصب شد؛ یعنی اینکه این جا برابر بدن مبارک امام علیه السلام است و از این قدری عقب تر بایستند. به زودی تمام سنگفرش حرم مطهر تعویض می‌شود و این سنگ نیز برداشته خواهد شد.

داستان‌هایی که برای این سنگ و قرمزی آن و فضیلت نماز بر روی آن ساخته شده و چه بسا از این پس نیز ساخته شود، کاملاً بی‌اساس است.

آثار و پیامدهای ترویج و تبلیغ اماکن غیر مستند

از آثار منفی و وجود تالی فاسد بقای این سه چهار مقام غیر مستند، جلب توجه مردم به سوی آنها و سلب توفیق زیارت و محرومیت از درک محضر امام حسین و ابوالفضل و علی اکبر علیهم‌السلام و دیگر شهدای والا مقام کربلاست و زمانی را که زائر صرف تردد بین این اماکن و تماشای آنها می‌کند، به همان اندازه از تشرّف در صحن و حرم آن بزرگواران و زیارت قبور مطهر آنان محروم می‌شود. به طوری که پیامدهای منفی و زیانبار ترویج چنین اماکنی را می‌توان بدین شرح برشمرد:

- ۱- رسمیت دادن به اماکن ساختگی درحالی‌که آموزه‌های دینی بر خلاف آن است؛
- ۲- از بین بردن فرصت‌های ارزشمند زائر؛
- ۳- محروم شدن زائر از زیارت امام حسین علیه‌السلام و شهدای کربلا که هدف سفر است؛
- بازدید زائران از این اماکن با توجه به محدودیت زمان، موجب سلب توفیق زیارت از حرم‌های امام علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام می‌شود.
- ۴- مزاحمت برای ساکنان اطراف این اماکن ساختگی؛
- ۵- تزاخم و تصادم با نامحرم در گذرگاه‌های تنگ این اماکن؛

حضور در اغلب این اماکن موجب تلاقی زنان و مردان نامحرم می‌شود که خود حرام شرعی است. گویا سخن امام امیرالمؤمنین علیه السلام را از یاد برده‌ایم که تازیانه در دست در بازار کوفه قدم می‌زد و به مردم می‌فرمود: شنیده‌ام در بازار شانه‌های زانتان به شانه مردان نامحرم برخورد می‌کند! خدا لعنت کند مردی را که غیرت ندارد! ع- سوء استفاده سودجویان از اعتقادات و باورهای مردم. در بسیاری از این اماکن ساختگی زمینه سوء استفاده مالی از احساسات زائران شیفته ولی ناآگاه در این اماکن فراهم است.

شایسته است به عنوان یک تکلیف شرعی به جای بردن زائران ائمه معصوم علیهم السلام به این کوچه پس کوچه‌های انحرافی از آنان بنخواهیم تا با حضور در حرم‌های مطهر از خدای بزرگ کمال و معنویت را در حضور ارواح بلند آنان طلب کنند.

ضروری است با تقویت مطالعات خود درباره شهدای کربلا و علمای بزرگ مدفون در نجف اشرف، برای پرکردن اوقات فراغت زائران به جای بازدید از اماکن بی‌سند، با معرفی مناسب عظمت شخصیت و جایگاه رفیع شهدای کربلا، در راستای معرفت‌افزایی زائران گام برداشته شود.

اعمال مسجدین سهله و کوفه

در گذشته‌های نه چندان دور، مدیریت اعمال مسجدین را مرشدها به عهده داشتند و این امر دو اشکال عمده داشت: یکی اینکه برداشت عمومی این بود که مبلغان اعزامی همراه کاروان‌ها قادر به انجام این اعمال و خواندن این دعاها نیستند و این یک اهانت آشکار به همه روحانیان و مداحانی بود که تنها به عشق اهل بیت عصمت علیهم‌السلام و خدمت به زوار آنان رنج سفر را بر خود می‌خریدند اما آن گاه که به مسجدین کوفه یا سهله می‌رسیدند، بدون دلیل کنار گذاشته می‌شدند درحالی‌که یکی از اعمال عبادی این سفر همین اعمال مسجدین بود.

دوم اینکه در حین اعمال یا در پایان آن مرشد به زائران پیشنهاد می‌کرد که همین اعمال را به نیابت پدر، مادر و دیگر گذشتگان آنها انجام دهد و از این بابت مبلغ هنگفتی از هر کاروان اخذ می‌نمود درحالی‌که اولاً معلوم نبود، او به این همه نیابت عمل کند؛ ثانیاً چنان که خواهیم گفت، نیازی به پرداخت این همه هزینه نبود و زائر می‌توانست خود با یک نیت ساده همه بستگان و دوستان زنده و درگذشته را در ثواب اعمال خود شریک سازد. به منظور حفظ حیثیت مبلغان کاروان‌ها و پیشگیری از هزینه هنگفت نیابت‌ها لازم است، انجام اعمال مسجدین را

مبلغان کاروان‌ها شخصاً بر عهده گیرند و مدیران نیز موظف هستند ضمن پرهیز از به کارگیری مرشد، کمال مساعدت را در این جهت با مبلغان کاروان خود انجام دهند.

نکات لازم در اجرای مراسم مسجدین

۱. پیش از رفتن به مسجد، زائران را در هتل نسبت به اعمال مسجدین توجیه کنید که اعمال مسجدین کوفه و سهله مستحبی است و در مستحبات، انسان می‌تواند ضمن اینکه عملی را برای خودش انجام می‌دهد، نیت کند که همان عمل به نیابت جمع کثیری که خودش تعیین می‌کند محسوب شود. همان گونه که وقتی به زیارت هریک از امامان معصوم علیهم‌السلام می‌روند، چنین نیت می‌کنند که زیارت می‌کنیم این امام بزرگوار را برای خودمان و به نیابت پدران، مادران، اقوام، سفارش کنندگان، امام راحل و شهدا، اموات و... . *قربةً الی الله*. بدیهی است در این صورت این عمل مستحبی در نزد پرورگار تعالی هم برای انجام دهنده منظور می‌شود و هم خدای مهربان بدون آن که چیزی از ثواب او بکاهد، عین همین ثواب را به همه کسانی که برای آنها قصد نیابت شده، عطا و عنایت می‌فرماید و حتی چه بسا ثوابی هم به خاطر قصد نیابت به

خود این شخص عطا می‌فرماید. بنا براین زائران محترم بدون آن که پولی در این جهت به کسی بپردازند می‌توانند اعمال مسجدین را خودشان انجام دهند و برای هر کسی هم که مایلند، قصد نیابت کنند. البته همین جا فرصت خوبی است تا بر فضل و عنایت بی حساب الهی تأکید شود و اینکه خدای مهربان چه قدر بخشنده است و به هر بهانه‌ای بندگانش را از عطای سرشار خود بهره مند می‌فرماید.

برای اقناع زائران می‌توان گفت که شریک کردن دیگران در ثواب زیارت در نزد پروردگار به نحو تکثیر است نه تقسیم. در تقسیم به میزان افراد شریک شده در ثواب زیارت، بهره آنان کاسته می‌شود ولی در تکثیر با افزایش تعداد افراد شریک شده در ثواب زیارت، ثواب زیارت نیز افزایش می‌یابد.

۲. به زائران اعلام شود که برای مدیریت اعمال عبادی و برنامه‌های معنوی کاروان در خدمت شما هستم و راهنمایی برنامه‌های مسجدین سهله و کوفه را خودم شخصاً انجام خواهم داد و نیازی به استخدام مرشد و واگذاری کار به غیر نیست.

۳. اگر مدتی است به عتبات نیامده‌اید و محلّ دقیق مقام‌ها را به خاطر ندارید، از نقشه مسجدین که ضمیمه

این نوشته است، استفاده کنید و یا در ابتدای ورود به عنوان معرفی کلی مقام‌ها، به اتفاق زائران همراه، گشتی در مسجد بزنید. به این صورت در جریان مقام‌های مسجد قرار می‌گیرید. البته نام هر یک از مقام‌ها با خط درشت و خوانا روی سنگ‌هایی حکاکی و در معرض دید همگان نصب شده است.

۴. اعمال مربوط به هر مقام، مستقل از مقام‌های دیگر است و ترتیبی ندارد. بنا بر این در هر مقامی که ازدحام کمتری دیدید می‌توانید عمل مربوط به آن را انجام دهید.

۵. اگر درون مقامی به خاطر ازدحام جمعیت، جا نبود، می‌توانید قدری دورتر از آن، کنار جمعیت متصل به آن مقام بنشینید و صرف اتصال به جمعیت برای شما کافی است. (همانگونه که در حج، برای خواندن نماز طواف پشت مقام ابراهیم با اینکه آن نماز عبادتی واجب است، فقها همین اتصال به جمعیت نمازگزار را کافی می‌دانند؛ چه رسد به عتبات که نمازها و عباداتش مستحب است.)

۶. می‌دانید که در انجام مستحبات انسان باید به ظرفیت روحی خود توجه کند و اگر نشاط لازم همراه با اقبال قلبی و روحی در خود نمی‌بیند، بهتر است، عمل مستحبی را کوتاه و مختصر یا حتی آن را ترک کند. متأسفانه اکنون در بین زائرانی که سابقه تشرّف به عتبات

دارند، نوعی کراهت و انزجار نسبت به اعمال مسجدین کوفه و سهله دیده می‌شود و وقتی برنامه رفتن به آن جا مطرح می‌شود، بعضی تمایلی نشان نمی‌دهند و توجه داشته باشید که چنین خاطره تلخی نسبت به مکان فخیم و مبارکی مثل مسجد کوفه و مسجد سهله زاییده سخت‌گیری‌ها و یا درک نکردن لذت و شیرینی عبادت است. بنابراین در جمع زائران به صراحت به استحباب اعمال این دو مسجد تأکید شود و از آنان درخواست شود، در هر قسمت که خسته شدند، می‌توانند از همان جا جدا شوند و در گوشه‌ای به استراحت بپردازند یا از بخش‌های مختلف مسجد بازدید کنند. بدیهی است در این صورت دیگر نسبت به اعمال مسجد احساس زدگی و ناراحتی نخواهند داشت. همراهان باقیمانده با عشق و علاقه برنامه‌ها را دنبال می‌کنند و ادامه کار برای شما آسان می‌شود.

۷. بخشی از دعاها را که برآن تسلط بیشتر دارید و دارای نکات سازنده و مورد نیاز زائر است، برای زائران ترجمه کنید تا زائران درک کنند در این مناجات‌ها به خدای خود چه می‌گویند.

۸. برخی از مناسبت‌های مسجد کوفه را برای زائران شرح دهید. مقاماتی از قبیل دكة القضاء، بيت الطشت، دكة

المعراج، محل کشتی نوح، محل قبول توبه آدم و... این اماکن تاریخ‌های مستند و جالب توجهی دارند که اگر در لابلای اعمال مسجد به آنها نیز اشاره کنید، موجبات رفع خستگی و انبساط خاطر و درعین حال رشد و ارتقای فکری و معنوی همراهان خود را فراهم ساخته اید.

۹. هدایت انجام اعمال مسجدهای کوفه و سهله یک فرصت تبلیغی مناسب برای روحانی و مداح کاروان است و از جمله شروط لازم برای کسی که مدیریت معنوی و مذهبی کاروان را به عهده می‌گیرد، این است که بتواند این اعمال را به شایستگی انجام دهد. لیکن درعین حال چنانچه به هر دلیل قادر به خواندن همه دعاها نیستند، می‌توانید دویا سه کاروان را درهم ادغام کنید و دعاها را نیز مبلغان کاروان‌ها بین هم تقسیم کنند تا برنامه‌ها هماهنگ تر اجرا شود.

۱۰. برای رعایت مصالح افراد پیر و ناتوان در گرمای تابستان می‌توانید اعمال مسجدين را ادغام کرده و با صلاحديد و موافقت مدير و زائران در فضای مناسب و زیر سایه، همه اعمال را انجام دهید.

۱۱. به زائران توصیه نمایید از خرید آب‌هایی که در خانه امام علی عليه السلام یا مقام امام زمان عليه السلام عرضه می‌شود، خودداری نمایند؛ زیرا این آب‌ها غالباً غیر بهداشتی بوده و

فاقد ریشه روایی و تاریخی است و عرضه آنها صرفاً با هدف کسب درآمد از طریق سوء استفاده از احساسات و اعتقادات زائران صورت می‌گیرد.

۱۲. زائران گرامی می‌توانند نذورات خود را داخل ضریح امامان علیهم‌السلام و حضرت ابوالفضل علیه‌السلام بیندازند یا به دفاتر نذورات صحن‌های آن بزرگواران بپردازند و از پرداخت آن به اماکن غیر معتبر و افراد ناشناس پرهیز نمایند.

فصل چهارم: بایدها و نبایدهای مأموریتی

اینگونه باشیم

اجرای نکات زیر که برگرفته از تجربیات گرانبهای پیش کسوتان در این زمینه می‌باشد، هم خاطره خوبی برای زائر بر جا می‌گذارد، هم اثرگذاری و رسیدن به اهداف و موفقیت را برای شما تضمین خواهد کرد.

کار روحانیون به این اعتبار که عهده دار هدایت همراهان هستند، شبیه کار انبیا است. از این رو باید کوشید تا در حد توان، ویژگی‌های انبیای الهی را در خود ایجاد و تقویت کرد؛ زیرا موقّیّت مبلغان دینی در گرو برخورداری از همان خصوصیات است. اهمّ این خصوصیات را می‌توان بدین شرح

برشمرد:

اخلاص

مبلغ اگر مخلص نباشد نه در هدایت همراهان توفیق می‌یابد و نه برای خودش در نزد خدا پاداشی ذخیره می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ»^۱ میوه دانایی (به مبدأ و معاد) اخلاص عمل است. «بدیهی است حضور در کنار مرقد امیرمؤمنان علیه السلام که خود مظهر اخلاص است، فرصت گرانبهایی است که اگر در این جهت احساس کمبود و نیاز می‌کنیم، به ذیل عنایت ایشان متوسل شویم تا با عنایت کریمانه خود، مس وجود ما را طلا کنند و گوهر گرانبهایه اخلاص در نیت و عمل و گفتار و کردار را به ما نیز مرحمت فرمایند.

سعه صدر

سعه صدر از جمله الطاف خداوند است که شخص را قوی، صبور و توانا می‌کند تا در خواسته‌های خود موفق شود. خداوند در مقام امتنان به حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾.^۲ علی علیه السلام فرمود: «آلة الریاسة سعة الصدر» ابزار ریاست و سروری سعه صدر و دریادلی است.^۳

۱. آمدی، غرر الحکم، ص ۳۲۸.

۲. الشرح: ۱.

۳. نهج البلاغة، حکمت ۱۷۶.



امروز کشور عراق، مشکلات فراوانی دارد و زائرانی که از سطوح مختلف جامعه در قالب کاروان‌های زیارتی به کشور عراق اعزام می‌شوند، جامعه‌ای ناهمگون و ناهماهنگ هستند و سلیقه‌ها و ظرفیت‌های مختلف دارند لذا هدایت معنوی آنها کار دشواری است. عهده دار خدمت معنوی به زائران در این سرزمین می‌بایست از ظرفیت بالای روحی برخوردار باشد و با آرامش و تدبیر و درایت همچون پدری مهربان و برادری دلسوز و آگاه، گره کور تنش‌ها و ناهنجاری‌های پیش آمده را با سرانگشت تدبیر و حکمت بگشاید. در این کشور بیگانگان حاکمیت دارند. دولت مرکزی چندان بر همه امور مسلط نیست. کارها گاهی تقسیمات منطقی و عادلانه‌ای ندارد. بسیاری از شهروندان عراقی به خاطر مشکلات، تعادل روانی مناسبی ندارند. بنا بر این شما هستید، که باید با برخورداری از سعه صدر به گونه‌ای روابط همراهان را روان و تسهیل کنید که زمینه‌ای برای کشمکش و ناراحتی به وجود نیاید.

تواضع

پرهیز از خود برتربینی، هسته مرکزی تواضع را تشکیل داده و هر رفتاری که شائبه نوعی خودنمایی و اظهار وجود در آن باشد، از لحاظ اخلاقی مذموم است.

تواضع، مبلغ را نزد زائرین عزیز می‌کند پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمُ اللَّهُ!»^۱ به راستی فروتنی باعث زیادی بالا رفتن صاحبش می‌شود. پس فروتنی کنید که خداوند شما را بالا برد. بنابراین مبلغ دینی باید با قطع نظر از این که در ایران چه سمتی دارد، نسبت به زائرین متواضع و خدوم باشد. حدیث امام صادق عليه السلام: «إِنَّ مِنَ التَّوَّاضِعِ أَنْ يَرْضَى الرَّجُلُ بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَأَنْ يُسَلَّمَ عَلَى مَنْ يَلْقَى وَأَنْ يَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا وَلَا يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى التَّقْوَى»^۲.

از تواضع است که انسان به پایین مجلس رضایت دهد، به هر کس بر می‌خورد سلام کند، مجادله را رها کند اگر چه حق با او باشد و دوست نداشته باشد که او را به پرهیزکاری بستایند.

نرمخویی و مهربانی

خداوند متعال به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ قَطًّا عَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»^۳؛ به موجب رحمت ویژه الهی است که با اینان نرمخو هستی و اگر خشن و سنگدل بودی از گردت

۱. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۲۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۶۵، ح ۴.

۳. آل عمران: ۱۵۹.



پراکنده می‌شدند.» اگر پیامبر اکرم ﷺ با آن همه محاسن و فضایل بی‌شمار تنها در صورت تندخویی جاذبه‌اش را از دست می‌دهد و به قول قرآن، مردم از گرد او پراکنده می‌شوند، حساب من و شما روشن است. بنابراین باید مراقبت شود تا در این سفر با زائر تندی نشود، سرشان داد زده نشود، آنها را مورد توبیخ قرار نداد، که اگر چنین شود، در دل آنان نسبت به مبلغ و مداح کدورتی ایجاد خواهد شد و این کدورت مانع تأثیر سخن مبلغ و مداح در دل او خواهد گشت. اخلاق خوب کمندی است که زائر را اسیر خود می‌کند. کیست که از برخورد شایسته، خوشش نیاید و جذب چنین انسانی نشود.

سلاح هفت خوش

روحانی و مداح موفق کسی است که خوش رو، خوش گو، خوش خدمت، خوش بو، خوش قلب، خوش پوش و خوش خو باشد و بتواند خاطرات شیرین و در عین حال خاطرات مثبت و سازنده‌ای در این سفر برای زائران خلق و به یادگار گذارد.

نوع نگاه به زائر

نگاه به زائر باید نگاه خادم به مخدوم خویش باشد و بکوشد تا به بهترین و ماندگارترین روش معارف اسلامی را

برای ایشان تبیین و خاطرات معنوی سفر را پایدار سازد. بدیهی است اجر و پاداش چنین خادمانی از دست موالیان بزرگوار و خدای مهربان بسیار کریمانه و جاودانه خواهد بود.

دعوت عملی

در طول سفر زائرین اعمال و رفتار ما را زیر نظر دارند و تجربه هم نشان داده است هر مبلغی که در کاروان‌ها گفتار و رفتارش همراه بوده است اثر فوق العاده‌ای روی زائرین و مخاطبین گذاشته است چون در تبلیغ دین اصالت با رفتار است و نه گفتار. گفتاری که مؤید عملی و رفتاری نداشته باشد، نه تنها ارزش ندارد که خشم شدید خدای متعال را نیز به دنبال دارد، زیرا اثر معکوس بر جای می‌گذارد. شاید کمترین پیامد رفتار موعظه‌گران بی عمل، آموزش نفاق گفتاری و رفتاری در جامعه باشد.

در قرآن خدای متعال، مؤمنانی را که گفتارشان مطابق رفتارشان نیست به شدت سرزنش می‌کند و در بیانی عتاب آمیز به آنها نهیب می‌زند که: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا



سخنی می‌گوئید که به آن عمل نمی‌کنید؟

امام صادق علیه السلام در حدیثی مشهور خطاب به پیروان اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِاللِّسَانِكُمْ؛^۱ «مردم را با رفتارهایتان دعوت کنید و نه با گفتارهایتان»

رهبر معظم انقلاب در بخشی از سخنان خود به همین موارد اشاره کرده اند:

«البته یک اصل مسلمی وجود دارد عزیزان من! مردم از صدای شما خوششان می‌آید، از شعر شما لذت می‌برند، از اجرای شما - چه در مدحتان، چه در مصیبت‌تان - دل‌هایشان تکان می‌خورد و اشک می‌ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه می‌کنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین‌آوری داشتید، همه آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای نکرده به عکس شد؛ مردم نشانه تزلزل اخلاقی، نشانه عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبایی‌هائی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید. همه‌مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه‌ای‌ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۸.

بیشتر از دیگران، نامداران عرصه دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم؛ شما هم همین طور. شما کسانی که در عرصه دین و معرفت و امور الهی دارید کار می‌کنید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکی زبان، پاکی دامن، پاکی دل، پاکی دست. خدای متعال به شما کمک کند. یک مادح آستان فاطمی (سلام الله علیها) وقتی که در یک چنین جایگاهی قرار گرفت، یک انسان برجسته است. یعنی همین جوری که بین ماها فهمیده شده، دانسته شده و اعتقاد پیدا کرده‌ایم، کسانی که در راه مدح ائمه علیهم‌السلام و اظهار ارادت به این بزرگوار و توجه دادن دل‌ها به این بزرگواران هستند، اینها پیش خدای متعال عزیز و محبوبند.^۱

مناعت طبع روحانی

یکی از اوصاف ارزشی مبلّغ مناعت طبع و عزت نفس است که سهم زیادی در آبرومندی او دارد و اثر عمیقی در رفتار و روابط اجتماعی او می‌گذارد.

تقاضای شخصی از زائرین از بزرگی و عزت او می‌کاهد و در نظر زائر کوچک جلوه می‌کند. بر همین اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مداحان، ۱۳۹۲/۲/۱۱.

است تا آن جا که می‌توانید دست نیاز به سوی این و آن دراز نکنید. کسی که عزت نفس دارد هیچ گاه برای تأمین اندکی از نیازهای خود، رنج خواهش از دیگران را بر خود هموار نمی‌کند و خود را پیش دیگران خوار و کوچک نمی‌سازد.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَوْ تَعَلَّمُونَ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا مَشَى أَحَدٌ يَسْأَلُهُ شَيْئاً»^۱؛ اگر مردم می‌دانستند در سؤال و درخواست کردن چه زشتی‌ها و آبروریزی‌هایی نهفته است، هرگز کسی از کسی چیزی درخواست نمی‌کرد.

کوتاه و گزیده‌گویی

در سخن گفتن باید به وقت و حالت پذیرش مخاطب توجه داشت. مثلاً در مجلس عزا و ختم، شوخی کردن، یا در محفل جشن، سفره دل و غم و غصه را باز کردن، یا با کسی که کم حوصله است به جر و بحث نشستن، یا نزد دانای فرزانه‌ای، پرحرفی کردن و توضیح واضحات دادن، یا با آدم ناشناس و غریبه، اسرار را در میان گذاشتن و ... همه اینها البته هر کدام به نوعی نشانه «موقع شناسی» است و این، یعنی پاشیدن بذر در زمین شوره زار، یا آب دادن به درخت خشکیده.

۱. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۴۶.

امام علی علیه السلام: «لَا تَتَكَلَّمَنَّ إِذَا لَمْ تَجِدْ لِلْكَلَامِ مَوْقِعًا»^۱ اگر زمینه و جای سخن نیافتی، حرف مزن.
پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا دَلَّ وَجَلَّ وَقَلَّ وَ لَمْ يُمِلَّ»^۲ بهترین سخن، آن است که کوتاه، رسا، قابل فهم و روشن باشد و خستگی نیاورد.

در دوره کنونی مخاطبان مانند گذشته حوصله گوش دادن به سخنرانی طولانی را ندارند. مطالب کوتاه، هم زود به ذهن وارد می شوند و هم دیر خارج می شوند. به علاوه، با گفتن مطالب طولانی وقت خود و دیگران را می گیریم.

گزیده گویی در همه زمان‌ها خوب است؛ به ویژه در زمان حاضر. امروز که مردم ساندویچ می خورند، نشان آن است که حوصله پختن ندارند یا آب میوه می خورند، زیرا حوصله جویدن هم ندارند! لذا در زمان ما که انتقال پیام‌های کوتاه از طریق شبکه‌ها و رسانه‌های مجازی با سرعت انجام می شود، متن‌های کوتاه پرفرودارتر و متن‌های طولانی ملال آورترند.

البته کوتاه گویی حدی دارد و نباید در انتقال پیام، مشکل ایجاد کند.

۱. آمدی، غرر الحکم، ص ۷۵۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۱.



دسته بندی کردن مطالب

از اموری که در تبلیغ مؤثرند، دسته‌بندی مطالب است. دسته‌بندی مطالب شبیه بسته‌بندی اجناس است که امروزه انجام آن در قالبی زیبا، کوتاه و قابل حمل، به‌عنوان یک صنعت شناخته می‌شود. با دسته‌بندی، هم استاد مطالب را راحت ارائه می‌کند و هم مخاطب آن را راحت‌تر می‌فهمد و مطالب در ذهنش بهتر جا می‌گیرد. دسته‌بندی نظم دادن به محتوا و مفاهیم است.

به یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشیم

مبلغ دینی در سفر زیارتی به طور خاص باید به یاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه باشد؛ ارتباط معنوی با آن حضرت، ظرفیت و تحمل محدود ما در پیوند با ظرفیت و تحمل نامحدود آن امام وسعت و گسترش می‌یابد و ما توان تحمل سختی‌ها و مشکلات این راه را پیدا می‌کنیم. خود آقا فرمود:

قال الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه: اِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاةِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ^۱.

همانا ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم، چه، در غیر این صورت،

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرود می‌آید و دشمنان، شما را ریشه کن کرده و از بین می‌برند. تقوای خداوند جل جلاله را رعایت کنید.

تاکید بر معرفت افزایی

یکی از موضوعاتی که در زیارت نقش کلیدی دارد و مبلّغ دینی باید آنرا تبیین کند و بر آن تأکید نماید معرفت افزایی است زیرا در زیارت هیچ چیز بیشتر از معرفت و بینش امام اهمیت داده نشده است شاهد بر آن، همین بس که در کتاب‌های روایی به ویژه کتاب «کامل الزیارات»، بیش از چهل حدیث با تعبیر «عارفاً بحقه» مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است.

معرفت عبارت است از شناخت، باور و اعتقاد به حق، حرمت، ولایت امام و رعایت آن است. زائران باید هر اندازه می‌توانند سطح معرفت خود را ارتقا دهند و رابطه‌ای قلبی با امام معصوم برقرار کنند، و به حضور در حرم و مشاهده صحن، رواق و ضریح بسنده نکنند؛ بلکه امام مزور را به حرم دل خویش دعوت نمایند برای پذیرش این دعوت پیوندرواحی با آن حضرت لازم است. اگر چنین شد زائر حضور امام را در خانه دل خویش احساس می‌کند و بوی خوش او را استشمام می‌نماید.

میزان دستاورد و پاداش زیارت نیز بستگی به سطح «معرفت» زائر دارد؛ هر اندازه معرفت بیشتر شود اجرو ثواب نیز بیشتر خواهد شد.

معرفت ملاک پذیرش عمل است و بدون آن مورد قبول درگاه حق قرار نمی‌گیرد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ»^۱ خدا عملی را نمی‌پذیرد مگر با معرفت همراه باشد.»

چنانچه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را سرمایه اصلی برشمرده است و می‌فرماید: «الْمَعْرِفَةُ رَأْسُ مَالِي»^۲ معرفت سرمایه اساسی من است.»

معرفت جاه و مقامیست به هر کس ندهند

معرفت راه و مرامیست به هر کس ندهند

معرفت عشق خدائیست به هر نفس ندهند

معرفت بذر نشکفته عشقیست به نارس ندهند

هماهنگی با مدیر کاروان

هر کاروانی یک مدیر و یک مسئول فرهنگی دارد؛ این دو باید هماهنگ باشند و هرکس وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، از این رو لازم است این دو با هم جلسات

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۴.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۷۳.

هماهنگی داشته باشند. در این جلسه اگر مسئول فرهنگی توقعات و انتظارات خاص و یا حتی سبک و سلیقه ویژه‌ای دارد به مدیر پیشنهاد کند و متقابلاً اگر او نیز پیشنهادی دارد، بشنود. اگر مشکلی وجود داشت و به تفاهم نرسیدند، باید یکدیگر را تحمل کنند تا زائران بتوانند سفر آسوده و به یاد ماندنی داشته باشند. می‌توانند محرمانه از طریق بعثه و مسئول مربوطه مسئله را پیگیری نمایند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اِخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا»^۱ باهم اختلاف نکنید، که پیشینیان شما دچار اختلاف شدند و نابود گشتند.

حفظ حرمت مدیر

مدیر، رکن اجرایی کاروان است. برای اعمال مدیریت باید وجاهت و حیثیتش محفوظ بماند و هرگز شخصیتش تحقیر نشود، لذا در جمع از او انتقاد و یا بدگویی نکنید و با وجود اختلاف سلیقه احتمالی حرمت او را حفظ کنید. در غیر این صورت تبعیت زائران از وی کمتر می‌شود و رشته نظم و انسجام کاروان از هم گسیخته خواهد شد. هنر روحانی و مداح مدیریت معنوی کاروان است. سعی کنید اگر هم مشکلی با او پیدا شد، پنهانی، برادرانه،

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۸۹۴.

به او تذکر بدهید، مهربانانه او را نصیحت کنید و چنانچه مؤثر واقع نشد، در شهرهای زیارتی به نمایندگان بعثه یا حج و زیارت مراجعه و مشکل را مطرح کنید. معمولاً در این مراکز کسانی هستند که به فرد خاطی یا سهل انگار تذکر لازم را بدهند یا با او برخورد کنند.

برنامه ریزی برای طول سفر

مجموعه معارفی را که می‌بایست در طول سفر به زائر منتقل کنید به صورت خلاصه در یک دفترچه همراه خود داشته باشید و مقاطع و فرصت‌های مناسب برای انتقال این معارف به زائران را شناسایی کنید و سعی کنید در هر فرصت، بخشی از آن معارف را در این ظروف زمانی و مکانی بریزید. در این سفرها اتوبوس یکی از مناسب‌ترین فضاها است؛ مثلاً در مرز، در توقف‌های اضطراری، در ایست و بازرسی‌ها و... که معمولاً مدیر و راننده سرگرم رتق و فتق امور و حل مشکل هستند، فرصت را غنیمت شمرده و بخشی از همان مطالب را که از پیش آماده شده است، بیان کنید؛ چند مسأله شرعی بگویید. یا یک حدیث و روایت بخوانید یک مناسبت تاریخی را تعریف کنید یا تاریخ مرتبط به مکانی را که باید به بازدید آن بروید، بیان کنید. اگر فرصت مقتضی است، نوحه‌ای یا روضه‌ای

بخوانید، یا دعای توسل، یا زیارت امین الله، یا عاشورا یا حتی اگر فرصت بیش تر دارید، جامعه کبیره و اگر زمان مقتضی است، دعای کمیل یا ندبه و... را قرائت کنید. در این صورت وقتی به شهرهای زیارتی رسیدید، احساس سبکی خواهید کرد.

استفاده از اوقات فراغت زائر

بکوشید علاوه بر برنامه‌های جمعی و کلی که برای زائران دارید، برنامه‌هایی هم برای جمع‌های کوچک تر زائران داشته باشید؛ بخشی از تاریخ زندگی ائمه یا تاریخ نجف و کربلا و یا قبور و زیارتگاه‌هایی را که در این سرزمین هست، ولی در برنامه زیارتی کاروان‌ها نیست، برای آنان بیان و توصیف کنید. همچنین می‌توانید برخی مسائل شرعی را که معمولاً عموم مردم به آنها نیازمندند ولی از آن بی اطلاع هستند، به صورت سؤال مطرح کنید و اگر کسی جواب درست داد به او جایزه کوچکی بدهید؛ زیرا معمولاً مدیران، منابعی برای تأمین هزینه جوایز در اختیار دارند.

تأکید بر با وضو بودن

یکی از امور بسیار پسندیده و با فضیلت دائم الوضو بودن است، شایسته است زائرین به آن ترغیب و تشویق

شوند. زیرا گاهی برای زیارت در نقطه ای پیاده می‌شوند و کنار آن‌ها ده تا اتوبوس دیگر هم زائر پیاده می‌کند. اگر به زائران توصیه شود قبل از حرکت از هتل وضو بگیرند تا در طی مسیر یا توقفگاه‌ها که معمولاً ازدحام جمعیت برای طهارت و تجدید وضو بسیار زیاد است، دچار مشکل نشوند در این صورت می‌توانید از فرصت‌های طول مسیر یا توقفگاه‌ها برای اجرای برنامه‌های خود به خوبی استفاده کنید.

برای ترغیب به وضو داشتن خوب است در این مورد حدیثی خوانده شود و فضیلت با طهارت بودن بیان گردد، مثلاً بگوئیم پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْوُضُوءَ يُكَفِّرُ مَا قَبْلَهُ»^۱ وضو همه خطاهایی که انسان پیش از آن مرتکب شده را می‌پوشاند.» و در حدیث دیگر می‌فرماید: «أَنَّ الْوُضُوءَ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ»^۲؛ وضو گرفتن بر روی وضوی قبلی نوری است بر روی نور» و در حدیثی به فردی که از فقر و ناداری شکایت داشت فرمود: «دُمَّ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوسَعُ عَلَيْكَ فِي الرِّزْقِ»^۳؛ پیوسته با طهارت باش رزق و روزیت زیاد می‌شود».

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۱.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۲۷، ح ۴۴۱۵۴.

در دسترس بودن

روحانی و یا مداح در این سفر باید در دسترس زائر باشد تا زائر بتواند به سهولت مطالب و نیاز خود را مطرح نماید. بنابراین حضور در کنج حرم‌ها و اشتغال به عبادت‌های طولانی و یا رفتن به دیدار علما و مراجع و امور دیگری از این قبیل در سفر تبلیغی، کار صحیحی نیست؛ زیرا زائران پیوسته در طول سفر زیارتی خود با پدیده‌های جدیدی رو به رو می‌شوند و مایلند وظیفه شرعی خود را در قبال این پدیده‌ها از شما بپرسند و تأیید شما را برای ریز و درشت کارهای خود داشته باشند. گاهی هم دربارهٔ مسائل گوناگون بین آنان اختلاف نظر پیدا می‌شود و سخن عالمانه شما فصل الخطاب و تعیین کننده است. اگر در چنین مواقعی شما را پیدا نکنند، از شما دلگیر و ناراحت خواهند شد و حضور شما در کنار آنان، به آنها آرامش روحی خواهد بخشید. بنا بر این سخاوتمندانه در همهٔ اوقات، خود را در دسترس زائران قرار دهید و هرگز از پاسخ‌گویی به پرسش‌ها اظهار خستگی نکنید.

حضور در نمازهای جماعت

زائران ایرانی شرکت در نماز جماعت را دوست دارند

و به آن اهمیّت می دهند. نمونه این اهتمام در سفرهای زیارتی مشهود است. گاهی یک ساعت قبل از اذان در صفوف جماعت حاضر می شوند و منتظر رسیدن وقت نماز و شنیدن صدای اذان می مانند. شایسته است، به این خواسته عمومی احترام بگذارید و شما نیز در جمع آنان حضور پیدا کنید. در این صورت به پرسش های آنان پاسخ می گوید.

چند نکته قابل توجه:

۱- هرگز به بهانه اینکه امام جماعت را نمی شناسید و عدالت او را احراز نکرده اید، از شرکت در نماز جماعت خودداری نکنید؛ زیرا عموم امامان جماعت مورد تأیید حوزه هستند.

۲- اگر در جایی امام جماعت منصوب و راتبی ندارد. از برپایی چند نماز جماعت در مکان و زمان واحد اجتناب کنید. حتّی المقدور جمعیت ها را در هم ادغام و ضمن احوال پرسی از روحانیون همسفر یک نفر را که وجاهت و مقبولیت بیشتر دارد، مقدّم سازید و همگی به او اقتدا کنید این همدلی و اعتماد شما به یکدیگر برای زائران بسیار زیبا و آموزنده خواهد بود.

۳- اگر معمم نیستید هرگز حتی در صورت اصرار همراهان امامت جماعت را به عهده نگیرید؛ زیرا بزرگانی

چون امام علیه السلام رهبری معظم انقلاب (مد ظله العالی) و برخی دیگر از مراجع از امامت جماعت افراد غیر معمم در فضاهایی که دسترسی به معممین وجود دارد، نهی کرده‌اند.

۴- نمازهای جماعت را کوتاه و مختصر اقامه کنید و از طولانی کردن نماز و افزودن ادعیه و اذکار مستحبی به آن پرهیز کنید. توجه داشته باشید که نماز مسافر را خداوند از هفده رکعت به یازده رکعت تقلیل داده، شما با طولانی کردن نماز این تخفیف را جبران نکنید!

صبوری در مواجهه با بحران

صبر و تحمل و سعه صدر روحانی در مواجهه با بحران‌ها و مشکلات پیش بینی نشده موجب آرامش کاروان است.

بر آداب زیارت تأکید شود

مبلغ دینی در سفر زیارتی باید بر ادب زیارت و حضور برای زائرین تأکید کند و به آنها پیاموزد و در آخر سفر نیز یادآوری کند که حیف است این تقرب و اتصالی که برقرار شده است از بین برود و گوهرهای معنوی را که حاصل شده از کف بدهند؛ و برای ماندگاری آثار معنوی سفر، از زائرین بخواهد که از خدا و ائمه کمک بخواهند و خود نیز تصمیم بگیرند تا این ارزش‌ها را به عنوان ارزنده

ترین سوغات این سفر برای همیشه عمر خود به یادگار نگه دارند. اگر مبلغ بتواند در این فرصت چند روزه چنین تحوُّلی را در دل و جان همسفران پدید آورد، چه اندوخته عظیمی از ایمان و عمل صالح را برای خود و در پرونده اعمالش ذخیره کرده است

اصلاح حمد و سوره‌ها

اگر در لابی هتل نشسته‌اید و منتظر آماده شدن زائران برای عزیمت به نقطه‌ای هستید، از افراد حاضر دعوت کنید تا برای اصلاح قرائت حضور یابند و اشکالات احتمالی را رفع کنید. این کار برکات فراوان دارد. هم قرائت افراد اصلاح می‌شود و هم کسانی که نظاره‌گر و شنونده گفت و شنود شما هستند به اهمیت موضوع پی می‌برند.

مستند، صحبت کردن

قرآن کریم راه پیروی از هر گونه پدیده خرافاتی و بافته‌های ذهنی عوامانه را بر روی ما می‌بندد و حجت را بر همه تمام می‌کند.

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ
وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^۱

از چیزی که بدان آگاهی نداری، پیروی مکن؛
 همانا هر یک از نعمت‌های شنوایی بینایی و ادراک
 قلبی مورد بازخواست واقع خواهد شد.

هیچ کس به مقتضای تعالیم قرآن کریم و سیره روشن
 اولیای معصوم دین علیهم‌السلام حق ندارد به آنچه که پشتوانه
 محکم علمی و عقلی ندارد و از سوی راهبران الهی مورد
 تأیید قرار نگرفته است، تکیه کند یا تداوم و بقای آن را به
 خیال و تصور حفظ دین و مقدسات دینی توجیه نماید؛
 زیرا قرآن کریم بنیان پوشالی موهومات و ساخته‌ها و
 پرداخته‌های جاهلانه را مورد یورش جدی قرار می‌دهد،
 با نگاهی گذرا به آیات کریمه قرآن فراهی فراوانی از
 این نمونه را می‌توان یافت. آنچه در مذمت سازندگان قصه
 گوساله سامری در قرآن می‌خوانیم نیز نمونه دیگری از
 این قبیل است. معارف دین مقدس اسلام چنان بر پایه‌های
 محکم و مستدل حقایق و دقایق عقلانی استوار است که
 هرگز برای حفظ باورهای مردم و تحکیم ایمان و اعتقاد
 آنان نیازی به تشبث به ریشه‌های سست و متزلزل خرافات
 وجود ندارد.

در تاریخ حیات پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که روزی
 فرزند ایشان از دنیا رفت و اتفاقاً در همان روز خورشید
 گرفت. برخی با مصلحت اندیشی کوشیدند تا بین این دو

حادثه رابطه‌ای تعریف کنند و شایع کردند که خورشید گرفتگی معلول مرگ فرزند پیامبر بوده است. شاید چنین اقدامی برای آنها قابل توجیه هم بود که بالاخره این تعریف موجب تقویت اعتقاد مسلمانان یا گرایش تعدادی غیر مسلمان به اسلام می‌شود. خبر به گوش پیامبر رسید. ایشان بی درنگ به مسجد آمد و برآشفته بالای منبر رفت و در جمع مسلمانان با صراحت و صداقت اعلام فرمود که هیچ پیوندی بین مرگ فرزندم و گرفتن خورشید وجود ندارد؛ آن یک حادثه طبیعی و این یک پدیده عادی است.

چنان که ملاحظه می‌کنید بخش مهمی از اقدامات آن شخصیت والامقام، پاکسازی بنای معمور دین و معارف حقه از لوث وجود همین پدیده‌های نامیمون و ساخته‌های بی ریشه است. ما هم که سرباز آن حضرت و داعیه دار خدمت به آن وجود نورانی هستیم، در افقی پایین و محدود و در گستره توان و استعداد خودمان به یقین چنین تکلیفی را بر عهده داریم.

ما هرگز نباید گمان کنیم که اگر زنگار آموزه‌های باطل و خرافات بی پایه و اساس را از سیمای دین پاک کنیم، مبانی باورهای دینی تضعیف می‌شود و اعتقاد مردم به اصل دین سست می‌گردد، بلکه به عکس، حذف این پیرایه‌های زشت و زاید و زدودن غبار انگاره‌های باطل از

سیمای نورانی اسلام عزیز بر جذابیت معارف دینی می‌افزاید و چراغ هدایت دین را پرفروغ تر می‌سازد.

روحانی ومداح کاروان باید مطالب مستندومحکم بیان کند واز ذکر مطالب سست و بدون مدرک و دلیل، کاملاً احتراز نماید. در قرآن کریم به قول سدید، قول معروف، قول لین، قول حسن، قول بلیغ، قول کریم، قول میسور سفارش شده است. قرآن می‌فرماید: ﴿قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾^۱ سخنی درست و استوار گویند. قول سدید سخنی است که همچون سدّی محکم، جلو شک و شبهه و فساد را بگیرد. و در آیه دیگر می‌فرماید، ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا﴾^۲ به نرمی با او (فرعون) سخن بگویند و نیز می‌فرماید: ﴿... وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾^۳ گفتار سنجیده و بزرگوارانه به آنها (پدر و مادر) بگو. و نیز می‌فرماید ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۴ با مردم به زبان خوش سخن بگویند.

ازاین‌رو باید برای سخنرانی و مداحی مطالعه داشت و مطالب دسته بندی شده باشد و از مطالب تکراری خود داری شود و با مطالعه و تحقیق تلاش شود با دست پر وارد مجلس شوند و تحولی در زندگی مخاطبان خود ایجاد کنند.

۱. احزاب: ۷۰.

۲. طه: ۴۴.

۳. اسراء: ۲۳.

۴. بقره: ۸۳.

اگر چیزی را نمی‌دانید؛ بگویید نمی‌دانم

پیامبر ﷺ به اباذر فرمود: «إِذَا سُئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ فَقُلْ: لَا أَعْلَمُهُ تَنْجُ مِنْ تَبِعْتِهِ»^۱ اگر درباره چیزی از تو پرسیدند که نمی‌دانی، بگو: نمی‌دانم، تا از پی آمدهای آن رها شوی.

امام علی ع می‌فرماید: «لَا يَسْتَحْيِي الْعَالِمُ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ: لَا عِلْمَ لِي بِهِ»^۲ عالم هر گاه از او سؤالی شود که پاسخش را نمی‌داند، از اینکه بگوید: «پاسخش را نمی‌دانم»، شرم نمی‌کند

یکی از فضیلت‌های انسانی، گفتن «نمی‌دانم» درباره موضوعی است که اطلاعی از آن ندارد. آدمی چگونه می‌تواند به چنین صفتی آراسته شود؟

آدم اگر بگوید نمی‌دانم، بهتر است از این که در جهلش بماند و ای بسا فرد دیگری که به آن موضوع آگاهی دارد، پیدا شود و دست او را بگیرد. به قول حافظ:

طیب عشق، مسیحا دم است و مشفق لیک

چو درد در تو نبیند که را دوا بکند

وظیفه علمی و اخلاقی ماست که وقتی اطلاعی از موضوعی نداریم، بصراحت اعلام کنیم نمی‌دانیم. این البته به آن معنا نیست که نمی‌دانم را شعار خود قرار دهیم

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۸.

۲. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۳۲۸ و ۶۶۴.

دقت در مرثیه خوانی

روحانی و مداح باید با مطالعه و مراجعه به متون و منابع معتبر و موثق، اشعار و مرثی و وزین و صحیح را انتخاب کرده و همراه داشته باشند و به جا و به موقع از آنها بهره گیرند و هرگز مطالبی را که از صحت آنها اطمینان حاصل نکرده‌اند، به صرف شنیدن از دیگری بازگو نکنند. در این خصوص نیز شایسته است به چند نکته توجه شود:

۱. هرگز تمام وقت مجلس خود را با ذکر مصیبت پر نکنید. شخصیت‌هایی که شما به زیارت آنها آمده‌اید، مثلاً امیرمؤمنان یا امام حسین علیه السلام و... فضایل و مناقب فراوان دارند، معجزات دارند، در ابعاد مختلفی از ارزش‌های والا سرآمد بشریتند، در مقاطع گوناگون تاریخ زندگی خود افتخارات بی نظیر آفریده‌اند، این منصفانه نیست که فکر و ذهن زائران آنها را فقط به تلخی‌ها و مصیبت‌های آنان معطوف کنیم

۲. از به کار بردن الفاظ و عباراتی که با ادب حضور در محضر معصومین علیهم السلام منافات دارد پرهیز کنید.

۳. اشعاری که حاوی اهانت به خاندان پیامبر علیهم السلام است را با توجیه اینکه دل شنونده را بسوزانید و بگریانید، نخوانید؛ به عنوان مثال هرگز حضرت زینب کبری (سلام

الله علیها) قهرمان خروشنده در مقابل یزید و آن عارف کامل که فرمود «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً»^۱ با عبارتی همچون بیچاره، دربدر، و بلاکش توصیف نشود.

۴. هرگز نگران گریه کردن زائر نباشید. آنها در این سفر چنان عواطف سرشاری دارند، که غالباً با شنیدن فضایل اهل بیت هم می‌گیرند. حتی نگاه به در و دیوار حرم‌ها و گنبد و ضریح اولیای دین هم اشکشان را جاری می‌کند، از این گذشته بنا بر این نیست که همه آنها با هر قیمتی که شده، حتماً گریه کنند. آن روز که امام صادق ع از تباهی (تشبه به گریستن) در کنار بکاء (گریستن) و ابکاء (گریاندن) نام برد، دقیقاً به این معنا توجه داشت که همه مردم در همه شرایط به گریه نمی‌افتند. از این رو فرمود: «وَمَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲؛ کسی که خود را شبیه گریه کننده در آورد، بهشت برای او است.

دقت در صحیح خواندن متون دعاها و زیارات

یکی از ارکان اصلی و اساسی مأموریت ذاکر اهل بیت در این سفر در پاره‌ای موارد استفاده از آیات قرآن مجید و در بسیاری از اماکن خواندن دعا و زیارتنامه است که

۱. ابن طاووس، لهوف، ص ۱۶۰.

۲. صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۶۰.

ضرورتاً باید مداحان عزیز کاملاً به آن مسلط باشند و در حین عمل و انجام وظیفه یکی از چالش‌های پیش روی مداح است. به همین خاطر شایسته است که ذاکران عزیز به طور جدی نسبت به این مسئله توجه کنند و انتظار بالاتر از آنان این است که، گذشته از تسلط به قرائت و خواندن قرآن و یا دعا و زیارت، فرازهایی از آن را برای استفاده بهتر و بیشتر زائران ترجمه کنند و توضیح دهند. بدیهی است که لازمه این امر کسب مهارت و مراقبت از آن در این حوزه است. پس باید مداح گذشته از تسلط به صحیح خواندن زیارتنامه‌ها و ادعیه مورد نیاز در سفر، در خواندن دعای کمیل، ندبه و امثال آنها کاملاً مهارت و آمادگی داشته باشد چون زیاد اتفاق می‌افتد که برای جمع بیشتری غیر از زائران خودش باید این ادعیه را قرائت کند. معمولاً همه ما تصوّر می‌کنیم که متن دعاها و زیارات را صحیح می‌خوانیم. لیکن اگر گاهی موقع خواندن دیگران گوش بدهیم، به سادگی در خواهیم یافت، که عبارتی را اشتباه می‌خوانده ایم. یا دست کم محل‌های وقف و ابتدا را رعایت نمی‌کرده ایم. چه مانعی دارد که در این موارد احتیاط کنیم تا از قرائت صحیح عبارت‌ها مطمئن شویم. ساکنان این سرزمین عرب زبان هستند و خیلی زود متوجّه خطای ما می‌شوند و بدون رودربایستی

و در حضور دیگران خطای ما را به ما گوشزد می‌کنند. پس بهتر است بیشتر دقت کنیم، تا شرمندگی به بار نیاوریم.

مقام معظم رهبری هم در این باره فرموده اند:

«صاحب حرفه مداحی که خود را مفتخر کرده است به اینکه در این راه خدمت و کار کند، اگر بخواهد همه این خصوصیات را جمع کند، اولاً احتیاج دارد به مطالعه و کار. به قول معروف، بی‌مایه فطیر است. احتیاج به مطالعه هست، احتیاج به کار هست. البته مداح‌های قدیمی ما مقید بودند حتماً از حفظ بخوانند؛ بد می‌دانستند که از رو بخوانند. امروز خوشبختانه این جور نیست. هیچ لازم نیست که حالا مثلاً ساعت‌ها صرف وقت کنند، قصیده‌ای را، شعری را حتماً حفظ کنند؛ نه، از رو هم بخوانند. منبری‌ها هم همین جورند. ما در دوران جوانی و نوجوانی هرگز ندیده بودیم که منبری از جیبش کاغذ در بیاورد، حدیث را از رو بخواند؛ این را بد می‌دانستند. مرحوم آقای فلسفی (رضوان الله علیه) این سنت غلط را شکست؛ از جیبش کاغذ در آورد، روایت را از رو خواند. خب، ایشان واعظ درجه یک کشور بود. حالا هم وعاظ یاد گرفته‌اند. برای اینکه درست بخوانند، برای اینکه بجا بخوانند، برای اینکه آنچه می‌خواهند بخوانند، بخوانند، کاغذ را از

جیشان در می‌آورند، حدیث را می‌خوانند؛ مطلب را که نوشته‌اند، می‌خوانند؛ شعر را می‌خوانند؛ این خیلی کار را آسان کرده. مداحی هم همین جور. بنابراین مطالعه کردن، یادداشت کردن، یادداشت داشتن، با حساب و کتاب و مطالعه حرف زدن، شرط اول است»

استفاده از اشعار مناسب

از آنجایی که کار مداحان عزیز به خلاف روش روحانیون عمدتاً با استفاده از بیان اشعار و سپس خواندن مقتل و ذکر مصیبت ادامه پیدا می‌کند، شایسته است که مداحان عزیز مطالب خود را در دو بخش ارائه کنند:

بخش اول آن اگرچه کوتاه، با استفاده از اشعار مناسب اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی و [بخش دوم] سپس با توجه به مناسبت مجلس و موضوع مورد بحث، پرداختن به توسل.

«چقدر خوب است که در این نوحه خوانی‌ها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود؛ یک وقت هست که سینه می‌زنند و صد بار با تعبیرات مختلف مثلاً می‌گویند: «حسین وای»، خب این یک کاری است اما هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ چیزی از «حسین وای» انسان نمی‌فهمد و یاد نمی‌گیرد. یک وقت هست که شما

در همین مطلبی که [عزادار] تکرار می‌کند و حرفی که [با آن] سینه می‌زند، با زبان نوحه و با زبان شعر، یک مسئله روز، یک مسئله انقلابی، یک مسئله اسلامی، یک معرفت قرآنی را می‌گنجانید؛ او وقتی تکرار می‌کند، در ذهن او ملکه می‌شود؛ این خیلی باارزش است، کاری است که هیچ‌کس دیگر غیر از شما نمی‌تواند این کار را بکند؛ یعنی هیچ رسانه‌ای واقعاً قادر نیست که این جور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند اینها آمیخته کند.^۱

تلاش در پاسداری از مرزهای عقیدتی شیعه و رشد عبودیت و بندگی

فلسفه اصلی زیارت قرب به خدا و بندگی اوست. امام معصوم علیه السلام همچون آینه‌ای است که ما وقتی در مقابل او قرار می‌گیریم می‌توانیم عیوب و نقایص خود را تشخیص دهیم و به رفع آنها پردازیم. در زیارتنامه امام معصوم علیه السلام می‌خوانیم: «السلام علی میزان الاعمال». ^۲ ملاک سنجش صحیح اعمال، رفتار و عقاید ما، وجود معصوم است، و در فرازهای مختلف زیارتنامه آن بزرگواران ویژگی‌هایی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مداحان.

۲. شهید اول، المزار، ص ۴۶.

را که یک پیرو باید داشته باشد و تبلور آن در وجود معصوم است به آن اشاره می‌کنیم و شهادت می‌دهیم از اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف، نهی از منکر و... همه آن بزرگان وسیله‌های مطمئنی هستند برای رساندن ما به خدا.

به وضوح روشن است که مراد از زیارت و سفر نزدیکی به خداست. سرزمین عراق و مراقد مطهر امامان معصوم علیهم‌السلام مدفون در آن و جای جای آن سرزمین، چون مسجد کوفه و مسجد سهله پر است از معارفی که ما را به خدا نزدیک می‌کند و افکار و عقاید ما را از هرگونه انحرافی حفظ می‌کند.

سزاوار است ذاکر اهل بیت، زائران را چه در انجام فرائض و چه در باز داشتن از منکرات با توسل به معصوم و اشاره به جانفشانی‌های او در راه عبودیت و کسب معرفت همواره ترغیب کند و خدا را در دل‌ها زنده کند.

زیارت امام در همه مراحل سفر، وسیله تقرب و نزدیکی ما به خدای متعال است و باید وجود او تنها محور همه اعمال عبادی ما باشد.

کلیه ادعیه و زیارتنامه‌هایی که از معصوم علیهم‌السلام نقل شده و به دست ما رسیده به نوعی می‌خواهد ما را به خدا نزدیک کند. اوج عبودیت و بندگی را به وضوح در آنها

می‌توان دید، چون زیارت جامعه، زیارت امین الله و دعای کمیل که تقریباً همه با آنها کاملاً آشنا هستیم. شایسته است که ذاکر اهل بیت این نکته اساسی را همواره در طول سفر مورد توجه قرار دهد و دل‌ها را به خدا نزدیک کند.

رعایت نظم و انضباط

اصولاً برنامه‌های تبلیغی با توجه به محدودیت زمان، شرایط سنی زائران، خستگی آنان و سایر محدودیت‌های کشور عراق با برنامه ریزی در زمانی مشخص پیش بینی شده، لذا انتظار این است که ذاکر اهل بیت با توجه به این ملاحظات و محدودیت زمان، هم به موقع در جلسه حضور پیدا کند و هم در سقف تعیین شده برنامه خود را اجرا کند. و هم در زمان پیش بینی شده با مدیریت برنامه را اجرا و تمام کند.

بدون شک هماهنگی ایشان با مسئولین بعثه، مجریان برنامه و ملاحظات کشور میزبان و مسئولین اعصاب مقدسه مورد نیاز است.

اهمیت دادن به تلاوت قرآن

«چقدر خوب است در این سفر بیشتر از سایر اوقات به تلاوت قرآن در محافل و هیئت‌ها، به مسئله قرآن -

قرآن‌خوانی و معارف قرآنی - اهتمام ورزیده شود؛
 آشنائی با قرآن و حدیث توصیه ما به همه است؛ اما
 مبلّغان دین و جامعه مداحان طبعاً مخاطب ویژه این پیام
 هستند؛ با قرآن باید انس پیدا کنند. قرآن را حتماً بخوانید،
 با توجه به ترجمه بخوانید، این ترجمه را به یاد بسپارید.
 در آیاتی که نصیحت هست، متضمن یک معرفتی است که
 انسان می‌فهمد، آنها را ثبت کنید، ضبط کنید، یادداشت
 کنید، از آن بهره‌مند شوید؛ هم بگویید، هم عمل کنید.
 حدیث هم همین جور»^۱.

اعتدال در شوخی

شوخی بایستی به‌جا و به‌حق باشد گرچه در آموزه‌های
 دینی و اخلاقی اسلام، شوخی مورد تأیید است ولی
 می‌باید جهت‌دار، مفید و سازنده باشد. اسلام هرگز اجازه
 نمی‌دهد در شوخی از بی‌ادبی، حرف لغو، بیهوده و سخنان
 نیش‌دار و باطل استفاده گردد.

شوخی باید با شرایط روحی، سنی، شخصیتی و
 موقعیت زمانی و مکانی افراد و ظرفیت فردی تناسب
 داشته باشد. گاهی شخص از نظر روحی آشفته و غمزده
 است، گاهی خسته و نگران است، گاهی در حال سخنرانی

۱. بیانات مقام معظم رهبری.

جدی است و... که نباید در اینجاها شوخی کرد. زیرا شوخی بی جا نه تنها مفید نبوده، بلکه آبروی وی را از بین می برد. امام باقر علیه السلام فرمود: **كثْرَةُ الْمِرَاحِ تَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ**^۱. شوخی زیاد آبرو را می برد

در شوخی باید اعتدال رعایت گردد. اگر اعتدال نباشد، آسیب ها و ضررهایی به وجود می آید و حکمت و فلسفه شوخی که ادخال شادی و نشاط و به وجود آوردن شادمانی است، از بین می رود. امام علی علیه السلام می فرماید: **«كثْرَةُ الْمِرَاحِ تَذْهَبُ الْبِهَاءَ وَ تَوْجِبُ الشُّحْنَاءَ»**^۲: شوخی زیاد، ارج و احترام را می برد و موجب دشمنی می شود.

کمک و محبت به زائرین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **«مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كُرْبَةً»**^۳ «کسی که مؤمن مسافری را یاری کند خداوند هفتاد و سه گره اندوه و مشکل او را می گشاید».

محبت به زائرین نیرومندترین قدرت محرک برای جذب زائرین است. با محبت بسیاری از مشکلات آسان و سختی ها قابل تحمل می گردد. در مسیر تبلیغ و هدایت محبت عامل بسیار مؤثری است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة؛ ج ۱۲، ص ۱۱۷.

۲. واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۹۰.

۳. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۳.

«رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ»^۱؛ «اساس عقل، پس از ایمان، محبت به مردم است».

تجربه نشان داده است که کمک به ناتوان‌ها نشاط و شادابی کاروان را به دنبال دارد و موجب ترغیب زائرین به همیاری و کمک به زائرین ضعیف است

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ مِنْ ذَلِكَ، أَوْلَهَا الْجَنَّةُ»^۲؛ «کسی که یکی از خواسته‌های برادر دینی خود را برآورد، خداوند عالم در روز قیامت صد هزار خواسته او را بر می‌آورد که نخستین آنها بهشت است».

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَى غَيْرِكُمْ»^۳؛ بدانید نیازمندی‌های مردم که [به شما مراجعه می‌کنند] از نعمت‌های الهی است پس نعمت‌ها را افسرده نسازید [یعنی مبادا با رنجاندن مردم نیازمند کفران نعمت کنید] که این وظیفه خدمت‌رسانی به دیگران محول خواهد شد».

توجه به شرایط عراق

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. عوالی اللئالی العزیزیه، ج ۱، ص ۲۹۱.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۹.

«الْعَالَمُ بِرَمَانِهِ لَا يَهْتَمُّ عَلَيْهِ اللّٰوَابِسُ»^۱ «کسی که دانای به اوضاع و احوال زمان خود باشد، پیشنهادات فریبکاران او را گول نمی‌زند».

مردم عراق در طول سال‌ها حاکمیت صدام و پس از آن، مصایب فراوان دیده و غالباً دچار تألمات روحی فراوانی هستند. دشمنان نیز تلاش می‌کنند تا آنان با ایرانیان روابط حسنه نداشته باشند. بنابراین به زائران توصیه اکید نموده حتی المقدور با عطفوت اسلامی و سعه صدر با آنان برخورد نموده و با صبر و آرامش و دلجویی از مردم ستم‌دیده نسبت به خنثی نمودن توطئه دشمنان اقدام کنند. در این زمینه ذکر رفتار امام حسن مجتبی (علیه السلام) با مرد شامی، مفید واقع خواهد شد.

عراقی‌ها در صورت نیکی دیدن از کسی در اولین فرصت آنرا به بهترین وجه جبران خواهند کرد. اما اگر هم نخواهند که با کسی رابطه خوبی داشته باشند، تمام سعی خود را می‌کنند که زیر دین طرف مقابل قرار نگیرند یعنی «نمک گیر او نشوند». بهترین راه برای نمک گیر کردن عراقی‌ها این است که در برخورد اول کاری برایش انجام دهید. همین مسئله موجب خواهد شد که تا آخرین لحظه‌ای که با شماست، به شما خوبی کند. خوبی کردن

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۷.

به عراقی می‌تواند تعارف تکه‌ای نان یا مقداری آب، یا هر خوراکی دیگری و یا صحبت کردن با او و از او حال و احوال پرسیدن، یا هدیه‌ای دادن... باشد.

مدیریت زمان

مسئول فرهنگی کاروان باید مدت زمان حضور زائر را مدیریت کند

وقتی که تعداد کارهای زیادی را برای انجام در یک روز داشته باشید، احساس رضایت در شما کاهش پیدا می‌کند.

برای کنترل کردن زمان، لازم است که تمرکز از فعالیت‌ها به روی نتایج معطوف شود؛ اینکه روز خود را در دریایی از فعالیت‌ها بگذرانید معمولاً دستاورد کمی دارید، زیرا تمرکز خود را بر روی کارهای متعددی تقسیم می‌کنید. مدیریت زمان خوب باعث می‌شود که این اتفاقات برای شما رخ ندهد.

موکول کردن کارها به دقایق واپسین، باعث خوب انجام ندادن کار و بالا رفتن هزینه‌ها می‌شود که در طولانی مدت منجر به زیان‌های شدید مالی و شکست در مدیریت کردن زمان خواهد شد.

کارها را به شکلی دسته‌بندی کنید که مهم‌ترین آنها در ابتدا باشند. اگر خود را درگیر چیزهای کوچک بکنید

به دلیل محدودیت زمان، خواهید دید که کارهای اصلی مانده است. اگر برنامه خود را با این چیزهای کوچک پر کنید، ناگهان می‌بینید که دیگر جایی برای کارهای استراتژیک مهم ندارید.

یکی از بهترین راهکارهای مدیریت زمان استفاده از تکنولوژی صحیح و به روز است. مدیریت زمان با بهره بردن از ابزارهای فراوانی که در حوزه تکنولوژی وجود دارد بسیار کارآمد و مؤثر است و راندمان شما را بسیار افزایش می‌دهد.

مدیریت درست زمان به شما اجازه می‌دهد هوشمندانه‌تر کار کنید و نه سخت‌تر! بنابراین می‌توانید کارهای بیشتری را در زمان کمتری به پایان برسانید؛ حتی زمانی که وقت شما تنگ و فشار کار بالاست. اگر نتوانید زمان‌تان را به خوبی مدیریت کنید کارایی شما کاهش می‌یابد و دچار استرس می‌شوید.

تشویق به نافله شب

یکی از توفیقات بزرگ در سفرهای زیارتی، تهجد و شب‌زنده‌داری است که انسان پاسی از شب را بیدار و به عبادت و راز و نیاز پردازد. این عبادت، مؤثرترین وسیله برای تقرب به پروردگار و وصول به رضای حق است.

اهل معرفت، رسیدن به کمال را بدون نماز شب و شب‌زنده‌داری ناممکن می‌دانند.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

شب‌زنده‌داری در نزدیک‌سازی دل به ساحت قُرب ربوبی، نقش کم نظیری دارد. از این رو خداوند، پیامبر خود را به تهجد امر فرموده است: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۱ پاسی از شب را از خواب برخیز، و عبادت کن این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقام محمود برانگیزد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَتُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَتُطَيِّبُ الرَّيْحَ وَتُدْرِي الرِّزْقَ وَتَقْضِي الدَّيْنَ وَتَذْهَبُ بِأَهْلِهِمْ وَتَجْلُو الْبَصَرَ»^۲ نماز شب انسان را خوش سیما و خوش اخلاق و خوش بو می‌کند، و روزی را زیاد، و قرض را ادا می‌کند و غم را می‌برد و دید انسان را نورانی می‌کند.

اهتمام به آموزش احکام شرعی زائران

یکی از وظایف روحانی کاروان آموزش احکام شرعی مورد ابتلای زائران است. به همان نسبت که زائران در

۱. اسراء: ۷۹.

۲. فیض کاشانی، الوافی، ج ۷، ص: ۱۰۷.

احکام شرعی خود مسؤولیت دارند و باید به دنبال فراگیری علم بروند، روحانی کاروان در برابر اعمال آنها مسؤولیت بیش تر دارد بدین جهت خداوند پیش از آن که از افراد نا آگاه پیمان یادگرفتن گرفته باشد، از عالم پیمان یاد دادن گرفته است. امام علی علیه السلام می فرماید «مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجُهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا، حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلَّمُوا»^۱ خداوند از جاهلان و افراد نادان پیمان یادگیری نگرفت، مگر آن دم که از دانایان و دانشمندان پیمان گرفت که آنها را تعلیم دهند.

همراهی با زائران

همراهی روحانی و مداح با زائر از وظایف و رسالت‌های اوست و کاری بسیار پسندیده، بستر مناسبی برای جذب، هدایت و دانش افزایی اوست. زیرا در این فرصت می‌تواند نکات لازم را به مناسبت به آنها گوشزد کند و زائران می‌توانند به سهولت مطالب و نیاز خود را مطرح نمایند. بنابراین زائر را رها کردن و خود در حرم به عبادت پرداختن یا به دیدار دیگران رفتن کار صحیحی نیست؛ زیرا زائران پیوسته در طول سفر زیارتی خود با پدیده‌های جدیدی رو به رو می‌شوند و مایلند وظیفه شرعی خود را در قبال این

پدیده‌ها از مسئول فرهنگی بپرسند. گاهی هم دربارهٔ مسائل گوناگون بین آنان اختلاف نظر پیدا می‌شود و سخن عالمانه روحانی فصل الخطاب و تعیین کننده است. اگر در چنین مواقعی او را پیدا نکنند، دلگیر و ناراحت خواهند شد و حضور مسئول فرهنگی در کنار آنان، به آنها آرامش روحی خواهد داد. بنابراین سخاوتمندانه در همهٔ اوقات، باید خود را در دسترس زائران قرار دهد و هرگز از پاسخ‌گویی به پرسش‌ها اظهار خستگی نکند.

این‌گونه نباشیم

پرهیز از برگزاری برنامه موازی بعثه

پس از اقامهٔ جماعت فرصت خوبی برای سخنرانی، مداحی یا خواندن دعا و زیارت فراهم است ولی باید توجه داشته باشید که هرگز در یک فضا دو نفر به سخنرانی یا مداحی نپردازند؛ زیرا هر دو می‌کوشند تا برای تحت الشعاع قرار دادن دیگری صدای خود را بلند تر کنند و زائر شنونده در این میان نمی‌داند به صدای کدام گوینده یا مداح گوش بدهد. بنا بر این وقتی می‌بینید مبلّغ دیگری مشغول افاضه است، یا جای مناسبی دورتر از او برای برپایی مجلس خود انتخاب کنید یا همراه با زائران همراه خود از مطالب او استفاده کنید.

حتی می‌توانید به همراهان توضیح بدهید که برای جلوگیری از تداخل برنامه‌ها با کاروان‌های دیگر، بهتر است فعلاً از ایشان استفاده کنیم. همچنین می‌توانید با اشاره یا فرستادن یادداشتی به خواننده یا گوینده یادآور شوید که بنا دارید، بعد از او شما هم انجام وظیفه کنید و نیز اگر خودتان مشغول اداره مجلس هستید، توجه داشته باشید که بنا نیست تمام فرصت را شما به تنهایی در اختیار بگیرید و دیگران هم که از راه‌های دور به این فضاها مشرف شده‌اند، مایلند در جمع همراهان خود برنامه‌ای داشته باشند و فیضی ببرند. پس برنامه خود را مختصرتر کنید و صدای خود را چنان پایین بیاورید که فقط همسفران خودتان آن را بشنوند تا مزاحمتی برای سایر مبلغان فراهم نشود.

خود داری از کارهای دور از شان

اگرچه روحانی باید میان زائران رود و با آنان خودمانی شود، اما این به معنای بذله‌گویی و کارهای سخیف و دور از شان طلبگی نیست.

روحانیون عزیز در مجامع عمومی ملبس باشند و هرگز به بهانه گرمی هوا و یا هر دلیل دیگر، بدون عمامه و عبا و قبا ظاهر نشوند و شئون روحانیت را حفظ نمایند. مداحان محترم تحت عنوان امام جماعت عمل نکنند و

بدون اطلاع دقیق از احکام شرعی، مسئله نگویند. هم‌چنین ضمن رعایت ظاهر از پوشیدن لباس نامناسب خودداری نمایند.

خود داری از بیهوده گویی

یکی از آفت‌ها و آسیب‌ها برای مبلغ دینی بیهوده گویی است. برخی از افراد شهوت سخن دارند و بسیار پرگو هستند، این گروه بیشتر از اینکه به خود یا دیگران فایده‌ای عاید کنند، عمر عزیز خویش را هدر می‌دهند و فرصتی برای فکر کردن به خود و تلاش برای رشد معنوی نخواهند داشت.

زبان، ترجمان دل و نماینده عقل و کلید شخصیت و مهم‌ترین دریچه روح است. آن چه بر صفحه روح انسان نقش می‌بندد، قبل از هر چیز بر صفحه زبان و در لابلائی گفته‌های او ظاهر می‌شود. زبان در عین اینکه یکی از شگفت‌انگیزترین آفریده‌های پروردگار و از بزرگ‌ترین نعمت‌های او است، می‌تواند بسیار خطرناک و سرچشمه گناهان بی‌شماری باشد و خرمن سعادت انسان را به آتش بکشد.

پرهیز از اجرای برنامه درون حرم‌ها

بعضی به گمان اینکه برای زائران همراه خود سنگ تمام بگذارند، آنها را با خود به درون حرم برده و برای

ایشان زیارت یا دعا می خوانند. این کار پسندیده‌ای نیست؛ زیرا اجرای مراسم درون حرم با صدای بلند، مخلّ آسایش دیگران و موجب در هم ریختن حال توجّه و حضور قلب آنان است. پس بهتر است همه مراسم گروهی و برنامه‌های دسته جمعی خود را در صحن‌ها اجرا و تمام کنیم، سپس به صورت انفرادی برای زیارت به حرم وارد شویم.

بد نیست همین جا یادآور شوم، که اعلام صلوات‌های پی در پی توسط برخی زائران در درون حرم‌ها نیز کار سنجیده‌ای نیست و توجیه درستی ندارد. درون حرم‌ها معمولاً همه متذکّر هستند و هرکس برای خود سرگرم دعا و زیارت است. وقتی کسی با صدای بلند همگان را دعوت به فرستادن صلوات می‌کند، دیگران یا باید صلوات بفرستند که در این صورت از ذکر خود منقطع خواهند شد و یا صلوات نفرستند که در این صورت از بیم آن که مبادا حدیث مذمت تارک صلوات شامل آنها شود، مبتلا به تشویش و اضطراب می‌گردند.

پرهیز از مواضع اتهام

مبلغ دینی از هر کاری که باعث خدشه دار شدن شخصیت و آبروی او می‌شود باید اجتناب کند و این از سفارشات بزرگان دین ماست که سعی کنید از مواضع

تهمت دوری کنید. امام علی علیه السلام فرمود: **مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ**^۱ هر که به جاهای تهمت و بدگمانی برود، بد گمان به خود را نباید سرزنش نماید (زیرا خود سبب شده که به او گمان بد برند) اگر مکانی مورد سوءظن افراد جامعه است سعی کند در آن مکان قرار نگیرد، اگر مالی مورد سوءظن زائران است ولو به غلط و اشتباه از آن خود داری نماید. اگر صحبت با خانمی موجب سوء ظن زائران می‌گردد از آن اجتناب نماید.

باید توجه داشت آبرو و حیثیت اجتماعی چیزی نیست که اگر کسی از دست داد به راحتی بتواند آن را دوباره به دست آورد و از نظر شرعی نیز حرام است کسی آبروی خودش را در معرض خطر قرار می‌دهد درحالی‌که می‌تواند آن را حفظ کند .

انجام برخی کارها ممکن است برای افراد عادی مشکلی نداشته باشد ولی همان اعمال، چه بسا برای مبلغ دینی مکروه یا حرام باشد؛ چون مردم از او انتظار ویژه‌ای دارند؛ انتظاری که از افراد دیگر ندارند؛ مثلاً کشیدن سیگار در عراق رواج دارد ولی شما از کشوری آمده‌اید که در آن، ضد دخانیات تبلیغ می‌شود؛ به صرف اینکه مردم

عراق غالباً سیگار می‌کشند، شما نباید به این کار مبادرت کنید. چون اگر زائران، شما را در این حال ببینند، نسبت به شما احساس ناخوشایندی پیدا می‌کنند و شخصیت و جاهت شما در نظر آنان مخدوش و بی اعتبار می‌شود.

همچنین راهنمایی زائران برای خرید از فروشنده خاصی که جنس بهتر یا ارزان تر می‌فروشد به خودی خود کار ناپسندی نیست ولی شما هرگز نباید به این قبیل کارها مبادرت کنید؛ زیرا به خاطر چند تومان صرفه مادی برای زائران حیثیت شما زیر سؤال می‌رود و متهم می‌شوید. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: **مَنْ وُقِيَ شَرَّ ثَلَاثٍ فَقَدْ وُقِيَ الشَّرَّ كُلَّهُ لَقَلْبِهِ وَ قَبْضِهِ وَ ذَبْذِبِهِ**^۱ هر که خود را از شر سه چیز حفظ کند، خویشتن را از هر شرّی حفظ کرده است: زبان و شکم و شهوت.

از دیگر اموری که باید رعایت شود آراستگی ظاهر و پوشیدن لباس کامل و معمولی است. گاهی یک مدّاح با صورت تراشیده یا لباس‌های جلف و سبک و تنگ مثلاً با شلوار لی یا کاپشن کوتاه در ملأ عام ظاهر می‌شود یا یک روحانی به بهانه اینکه هوا گرم است، بدون عمامه یا عبا و قبا به خیابان و حرم و... می‌رود چنین اموری از جاذبه شما در دل آنها می‌کاهد.

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۲.

امام صادق علیه السلام به یکی از بستگانش فرمود:

«إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَهُوَ مِنْكَ أَقْبَحُ لِمَكَانِكَ مِنَّا!» «کار خوب از هر کس سر بزند خوب است؛ ولی از تو خوب تر است؛ چون تو وابسته به ما هستی و کار بد هم از هر کس صادر شود بد است و از تو بد تر است؛ چون تو وابسته به ما هستی.»

پرهیز از خرافه‌گرایی

پرهیز از انحراف، پرهیز از خرافه‌گرایی، پرهیز از مشکل‌تراشی در عقاید جوان‌ها؛ گاهی ما یک کلمه‌ای می‌گوییم یک گرهی در ذهن جوان مخاطب ما به وجود می‌آید؛ این گره را چه کسی می‌خواهد باز کند؟ این گرهی را که ما با بیان ناقص خودمان با بیان غلط خودمان با بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی خودمان در ذهن این جوان به وجود می‌آوریم و عقیده او را دچار مشکل می‌کنیم، این گره چگونه باز خواهد شد.

حدّ فاصل حرم امام حسین علیه السلام تا حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام در گذشته بازاری به نام بین الحرمین بوده است. صدام در اواسط دوران حاکمیت خود این بازار و

خانه‌های پشت آن را ویران کرد و به جای آنها خیابانی عریض با چند ردیف درختان نخل احداث نمود. این فضا که اکنون نیز بین الحرمین نامیده می‌شود، با توجه به چشم اندازهای زیبایی که در دو سوی خود دارد (گنبد و بارگاه امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام) و نیز فضای سبز و درختان و آب نماها بسیار قابل بهره برداری است، زائران می‌توانند در این محیط برنامه‌های مفید مذهبی از قبیل دعا و توسل و زیارت، مداحی و حتی سخنرانی داشته باشند. ولی باید هوشیار بود که عناصری جاهل یا مغرض در تلاش‌اند تا همین محیط خوب و مثبت را به خاستگاهی برای افکار خرافی و اعتقادات باطل تبدیل کنند. چنان که در ایام حج سال ۱۴۲۹ قمری در کربلا افرادی مغرض یا نادان مردم را وادار می‌کردند تا هفت شوط (به عدد اشواط سعی بین صفا و مروه در حج) از حرم امام حسین علیه السلام تا حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام رفت و آمد کنند و احرام بپوشند و هروله کنند و بگویند:

اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ؛ لَبَّيْكَ يَا حُسَيْنَ! .. نیک بیاندیشید که اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ را از حج گرفته‌اند و مخاطب آن خداست و لَبَّيْكَ يَا حُسَيْنَ را از پاسخ به ندای هَلْ مِنْ ناصِرٍ امام حسین علیه السلام برداشته‌اند و مخاطب، امام حسین علیه السلام است و اگر این دو شعار با هم آمیخته شود، چه آبرویی از شیعه می‌برد. چه

بسیارند دل‌های بیماری که آرزوی دست یافتن به چنین فرصتی دارند تا شیعه را متهم کنند و چه سرمایه ای باید هزینه شود تا آثار سوء این تهمت خنثی گردد؟!

جوانانی ناآگاه در این محیط به بهانه تأسی به چهره خاک‌آلود و خونین امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا خود را به زمین انداخته و صورت‌های خود را به خاک می‌ساییدند تا خونین شود! چهار دست و پا بر زمین راه می‌رفتند و وعو می‌کردند، با این توجیه غلط که ما سگ حسین و ابالفضلیم! و معتقدند که اهل بیت از اصحاب کهف که کمتر نیستند. آنها سگشان را هم با خود بردند و عاقبت به خیرش کردند، چرا اینها نکنند؟!

از اعمال زیر که در شأن شیعیان اهل بیت علیهم السلام نیست، خودداری شود:

- دفن مو و ناخن در وادی السلام؛
- خط کشیدن اطراف خود در وادی السلام به عنوان تعیین محل دفن؛
- پول دادن برای حک کردن نام خود روی سنگ به امید آن که پس از مرگ روح انسان به اینجا منتقل شود؛
- بردن خاک وادی السلام به وطن به عنوان تبرک؛
- نمازهای ساختگی از قبیل نماز مکتب الحسنین و نماز چاه امیرالمؤمنین و نماز و دعا زیر ناودان طلا

در صحن نجف اشرف به قصد ورود و نماز باغ
امام صادق علیه السلام؛

- بستن قفل و گره زدن پارچه و نخ به ضریح‌ها و
دستگیره درب حرم‌ها و شاخه درختان؛

- آویختن یا بستن پارچه سبز به سر یا گردن به نیت
شفا یا تبرک؛

- نوشتن حواشی بر روی دیوارها؛

- رفتن به زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام قبل از زیارت
امام حسین علیه السلام به عنوان کسب اجازه؛

- نخواندن زیارت وداع به بهانه اینکه ما خداحافظی
نمی‌کنیم تا باز هم ما را بطلبند؛

- غلتیدن روی زمین و ساییدن صورت روی خاک
کوچه و خیابان قبل از تشریف به حرم امام حسین علیه السلام.

پرهیز از بداخلاقی

بد اخلاقی موجب تنفر و فاصله‌گیری زائران از مبلغ
می‌شود. برای شرافت، کرامت، عزت، آبرومندی و
محبوبیت اجتماعی باید با زائران بد خلقی و بد رفتاری
نکرد زیرا موجب سقوط شخصیت و نابودی او نزد آنان
می‌گردد.

بعضی از مبلغین که کارهای مهم و ارزشمندی برای
دیگران انجام داده‌اند ولی چون اخلاق نیکو نداشته و دائماً

منت می‌گذارند سبب از بین رفتن آثار خوبی‌های انجام داده می‌شوند و شیرینی کارهای انجام داده را با تلخ کامی عوض می‌کنند. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: می‌فرمایند: بدخویی کردار را تباه می‌سازد هم چنان که سرکه غسل را از بین می‌برد.^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بداخلاقی زهر کشنده و از پلیدی‌های رسواکننده و از رذیلت‌های آشکار است و انسان را از جوار رحمت پروردگار دور می‌سازد. همچنین آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ سُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سَيِّئَ الْخُلُقِ فِي النَّارِ لَا مُحَالَهَ»؛^۲ «بپرهیزید از تندخویی و بداخلاقی که شخص بداخلاق بی‌تردید در دوزخ خواهد بود».

پرهیز از رنجاندن و تمسخر دیگران

هیچ سخنرانی دوست ندارد که باعث آزار و رنجش مخاطبان باشد، اما در هنگام سخنرانی بعضی افراد مورد آزار واقع می‌شوند.

دست انداختن، مسخره کردن، شکلک درآوردن و مانند آن که موجب خنده خود و دیگران می‌شود، از نظر اخلاقی ناپسند و از نظر شرعی حرام است. پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. علی بن موسی الرضا علیه السلام، صحیفه الرضا، ص ۸۸.

می‌فرماید: «أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ»^۱؛ پست‌ترین افراد، کسی است که به مردم اهانت کند».

برخی لطیفه‌گویی و مزاح را با مسخره کردن و استهزاء درهم آمیخته‌اند و گمان کرده‌اند که تفاوتی میان این دو گونه رفتار نیست؛ درحالی‌که مرزهای معناداری میان این دو وجود دارد، به گونه‌ای که خنداندن دیگران با ابزارهای نامشروع بسیار زشت و حرام است در ادخال السرور و ایجاد شادمانی در دیگران نباید به کسی یا قومی توهین شود.

پرهیز از بیان مطالب تفرقه‌انگیز

یکی از مهمترین ویژگی‌های سفرهای زیارتی برای اقشار مختلف جامعه، ایجاد وحدت و همدلی و نزدیکی کردن آنها به هم برای یک زندگی مسالمت‌آمیز و مهر‌آمیز است. هنر مداح و یا روحانی در این است که بتواند برای این امر مهم، هم‌افزایی داشته باشد. و حتی الامکان از طرح مسائل تفرقه‌انگیز پرهیز کند و از آنجایی که اکنون همراهان ما در کشوری دیگر با فرهنگ و آدابی دیگر و گاهی از مذهب دیگری پیروی می‌کنند، ورود به این گونه مسائل می‌تواند مخاطره‌انگیز و عواقب سوئی در پی داشته باشد.

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۶.

پرهیز از نقل خواب و یا مطالبی که موجب وهن مذهب می‌شود

متأسفانه یکی از مسائلی که به نوعی با اعتقادات راسخ ما در تضاد است و اخیراً بسیار شایع شده و در بین جامعه مداحان از جذابیت و ویژگی خاصی برخوردار است، استفاده از بیان رؤیا و خواب برای اثبات مطالب مطرح شده است. این نوع مطالب چون با احساس مردم همخوانی دارد و تحت تاثیر آن اشک و آه همه جاری می‌شود به گونه‌ای رو به افزایش است که ما وظیفه داریم آن را اصلاح کنیم. بدیهی است بین نقل خواب پیامبران که در قرآن مجید به مواردی از آن اشاره شده با آنچه برای افراد عادی اتفاق می‌افتد فرق اساسی وجود دارد. خواب‌ها و رؤیاهای پیامبران صادق و حجت است، اما در مورد خواب افراد غیر معصوم این گونه نیست.

شاید نقل خواب برای گرم کردن مجلس و جلب توجه در کوتاه مدت باعث جاری شدن اشک و آه مخاطب شود، اما در دراز مدت به سردی می‌گراید. مداح وظیفه دارد با دلیل و برهان مطالب مفید خود را جا بیندازد.

شوخی با نامحرم جایز نیست

شوخی باید در جای خود و به اندازه و با در نظر

گرفتن جواز شرعی باشد و در آن گناهی صورت نگیرد.
بنابر این شوخی مرد با زن نامحرم و همچنین شوخی زن
با مرد نامحرم جایز نیست. رسول خدا ﷺ فرمود: «...مَنْ
فَاكَهَ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حِسَبَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ
فِي النَّارِ»^۱؛ «کسی که با زنی نامحرم شوخی و مزاح کند، به
ازای هر کلمه ای که بر زبان آورده باشد هزار سال او را نگاه
دارند».

شوخی با ید با همجنس باشد نباید با جنس مخالف
شوخی کند زیرا این کار انسان را در دام شیطان قرار
می دهد.

۱. صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۸۳.

فصل پنجم: نمونه تجربه‌های موفق روحانیون و مداحان

لزوم جلسه هماهنگی با مدیر کاروان قبل از حرکت

هر کاروانی یک مدیر یا مسئول دارد و یک روحانی. این دو باید هماهنگ باشند و هرکس وظیفه خودش را به نحو احسن انجام دهد. لذا لازم است روحانی و مدیر هر دو با هم یک جلسه هماهنگی داشته باشند. در این جلسه مسئول فرهنگی روحانی یا مداح اگر توقعات و انتظارات خاص یا حتی سبک و روش خاص و ویژه‌ای دارد به مدیر پیشنهاد بدهد و متقابلاً اگر مدیر هم پیشنهادی دارد ارائه نماید. و اگر مشکلی هست در جلسه به تفاهم برسند و اگر هم به تفاهم نرسیدند یکدیگر را تحمل کنند و در نتیجه در همین جلسه برنامه سفر را هم تدوین نمایند.

ثمره این کار در همه سفرها این است که اختلاف

سلیقه مدیر و روحانی باعث پریشانی زائران نشده و اگر مسئله لاینحل بوده محرمانه به بعثه یا ستاد منتقل شده و حل شده و زائران یک سفر آسوده و به یاد ماندنی خواهند داشت. حفظ حرمت مدیر کاروان به عنوان رکن اجرائی کاروان لازم است. در غیر این صورت تبعیت زائران از او کم می‌شود و نظم کاروان به هم می‌ریزد. هنر ما در سفرها این بوده که معنویت کاروان را مدیریت کنیم. اگر مشکل هم پیش آمده برادرانه و در خفا به او گوشزد کنیم تا حل شود.

لزوم برنامه ریزی برای طول سفر

مقاطع و فرصت‌های مناسب در طول سفر را شناسایی و به طور خلاصه برای هر زمان و مکان خاص مطالبی را آماده می‌نمودم و در دفترچه‌ای یادداشت می‌کردم که در هر فرصت مناسب یا در اوقات فراغت زائران برای آنان بیان کنم. در این سفرها مخصوصاً سفر زمینی با اتوبوس یکی از مناسب‌ترین فضاها است، مثلاً در ابتدای حرکت، توقف در مرز، توقف‌های اضطراری، ایست و بازرسی‌ها درست زمانی که مدیر برای رتق و فتق امور می‌رود. بهترین زمان برای بیان همان مطالب از پیش تعیین شده است. مثلاً چند مسأله شرعی یا یک حدیث زیبا، یا یک مناسبت تاریخی یا تاریخ مرتبط با مکانی که وارد شدید



مثلاً جبهه‌ها و مکان‌های عملیاتی موجود و در دید را بیان می‌کردیم. بسیار اثر گذار بود مخصوصاً اگر به صورت کلیپ کوتاه و شیرین بیان می‌شد. بیان مطالب مرتبط با مکان‌های زیارتی خیلی اثرگذار بود. اکثر مطالب در این موقعیت‌ها بیان می‌شد و در نتیجه وقتی به شهر زیارتی مورد نظر می‌رسیدیم احساس سبکی خاصی می‌کردیم و زائران هم آگاهی کامل پیدا کرده بودند.

تشریح وظایف مدیر و روحانی به زائران

در یکی از سفرها، به عنوان روحانی کاروان همراه خانواده با کاروانی از قم به عتبات رفته بودم، کارهای گذرنامه و بازرسی در فرودگاه نجف تمام شد و وارد اتوبوسی شدیم که قرار بود ما را از فرودگاه به هتلی در نجف ببرد.

بیشتر زائران سوار شده بودند ولی چند تا از زائران هنوز نیامده بودند و مدیر رفت که آنها را پیدا کند و با خود بیاورد.

در همین حال یکی از زائران از عقب اتوبوس نزد بنده که در صندلی جلو نشسته بودم آمد و گفت: حاج آقا شما چرا نشستید و چرا نرفتید به همراه مدیر دنبال زائران بگردید و هیچ فعالیتی نمی‌کنید؟

منظورش هم این بود که چرا الآن که مدیر در حال

فعالیت و تکاپوست، شما به جای کمک به او کنار خانواده نشستید و کنار مدیر نیستید!

بنده چون با اخلاق مردم قم و رک بودن آنها آشنا بودم، این حرف او یک تلنگری به بنده بود و حرف درستی بود و بنده را به حرکت واداشت و از اتوبوس پیاده شدم و رفتم برای کمک به مدیر در پیدا کردن افراد و بالاخره جا مانده‌ها پیدا شدند و برگشتیم و اتوبوس حرکت کرد.

وقتی وارد هتل در نجف شدیم، مدیر ثابت و مدیر کاروان توضیحات مربوطه را گفتند ولی قبل از اینکه جمعیت متفرق شود، همان فرد بلند شد و با طرز ناخوشایندی مطالبی را به صورت اعتراضی بیان کرد و گفت: بعضی‌ها وظایف خودشان را انجام نمی‌دهند و فقط کنار خانواده هستند و از همین الآن کم کاری می‌کنند و.... این صحبت‌ها و این نوع گفتار باعث ایجاد یک هیجان و مهمه در بین جمعیت شد و عده‌ای موافق و عده‌ای مخالف بودند.

اگر با چنین برخوردهایی روبرو شدید چه باید بکنیم؟ سکوت کنیم و دفاع نکنیم؟! ولی باید همین جا این مسئله حل می‌شد تا در روزهای آینده به مشکل برخورد نکنیم.

شروع به صحبت کردم و شرح وظایفی از کارهای مدیر و خودم ارائه دادم و همگی را دعوت به صبر کردم و از قضاوت عجولانه برحذر داشتم. به هر حال با صحبت و توضیحاتی که ارائه شد، مسئله حل شد و در روزهای بعد، همان فرد متوجه اشتباهات خود شد و در روزهای آخر نسبت به قضاوتی که کرده بود حلالیت طلبید و یکی از دوستان صمیمی بنده هم شد.

شناسایی مسیر و اماکن قبل از حضور زائر

هر وقت قرار بود به عنوان روحانی با کاروانی همراه شوم، بعد از استقرار در هتل و قبل از اینکه با زائران به حرم و سایر اماکن بروم، خودم تنهایی می‌رفتم و یک بررسی می‌کردم تا از اتفاقات و تغییرات جدید آگاه باشم و بتوانم با تسلط کامل زائران را همراهی کنم.

معمولاً وقتی کاروان وارد هتل می‌شود، یک فرصتی به زائر داده می‌شود تا برود در اتاقش مستقر شده، غسل کند و آماده شود برای رفتن به حرم و در این فرصت خودم به تنهایی سریع به حرم می‌رفتم و وضعیت را بررسی می‌کردم؛ مثلاً اینکه از کدام در وارد شویم بهتر است یا کجاها در حال تعمیر است و کدام در بسته است و اگر تغییرات جدیدی به وجود آمده در جریان باشم. و بعد برمی‌گشتم و کاروان را همراه خودم می‌بردم.

وقتی زائر مشاهده می‌کند که روحانی تسلط کامل دارد، خیالش راحت می‌شود و با اعتماد کامل تر برنامه‌ها را دنبال خواهد کرد.

در مسجد سهله و کوفه افراد عراقی بودند که می‌آمدند و از کاروان‌ها پول می‌گرفتند تا برای آنها ادعیه و زیارت نامه بخوانند و بعضی از کاروان‌ها هم قبول می‌کردند. اگر روحانی قبول نمی‌کرد و خودش شروع به خواندن می‌کرد اینها توجه می‌کردند و اگر روحانی اشتباه می‌خواند به او تذکر می‌دادند و گاهی هم جلوی اعضای کاروان مسخره می‌کردند که بلد نیست بخواند و بگذارید ما برای شما بخوانیم. ولی اگر روحانی قبل از رفتن به این مکان‌ها تمام ادعیه و زیارات مورد نیاز را تمرین کرده باشد و برای خودش بخواند آن وقت مسلط خواهد بود و این موارد پیش نخواهد آمد. حتی گاهی پیش می‌آمد که روحانی کاروان دیگر، ادعیه و زیارات را اشتباه می‌خواند که خیلی جالب نیست، چون زائران روحانی خود را با سایر روحانیونی که مشغول خواندن هستند مقایسه می‌کنند هم از نظر قرائت، هم از نظر اطلاعات و هم از نظر صدا و خیلی وقت‌ها باعث سوء تفاهم و اختلاف و بی‌اعتمادی در زائر می‌شود.

اینکه روحانی بدانند وقتی وارد مسجد کوفه می‌شود از

کجا باید شروع کند از کدام در باید وارد شود، چقدر درباره باب ثعبان می‌داند و امثال اینها نشان دهنده تسلط روحانی است و موجب جلب اعتماد مدیر و زائران خواهد شد.

مثلا در بیت الطشت باید بداند که چه بگوید و چطور بگوید. چون زائران خانم حضور دارند و نمی‌شود همه مطلب را با جزئیات بیان کرد و فقط باید اشاره‌ای کرد.

برای هر مکان یک نکته کلیدی را یادداشت می‌کردم و همان را مطرح می‌کردم که هم اطاله کلام نشود و هم جذابیت داشته باشد و برای زائر خسته کننده نشود.

یکی از تفاوت‌هایی که بین نجف و کربلا و سایر شهرها هست این است که در نجف مباحث علمی و اطلاعات عمومی جذابیت بیشتری دارد ولی کربلا روضه می‌طلبد و باید بتوانی خوب روضه بخوانی.

لزوم اطلاعات دقیق از اماکن

هتل محل اقامت در مسیر مقام علی اکبر علیه السلام قرار داشت و زائران کنجکاو بودند تا این مکان را ببینند. بهترین کاری که می‌کردم این بود که نزدیک محل که می‌رسیم، برای کاروان توضیح دهم که اینجا کجاست و علت نامگذاری آن چیست و بعد می‌گویم اینجا الآن

شلوغ هست و رفتن ما نه تنها هیچ ثوابی ندارد بلکه باعث گناه می‌شود، بهتر است اگر کسی دوست داشت هر وقت خلوت بود، بیاید. در سفری وقتی این را گفتم، همه قبول کردند به جز یک نفر که گفت: «چه اشکال دارد، خب شلوغ باشه همه دارن میرن ما هم مثل اون!!!».

گفتم: اشکال نداره ولی فکر کن اگر توی این شلوغی یک نفر هم به گناه بیفته من و تو هم در آن شریک هستیم و اگر همه موافق رفتن باشند می‌رویم. به هر حال قبول کرد و فقط از دور نشان دادم و مطالب را برایشان با تسلط کامل بیان کردم.

درباره بعضی از اماکن حتماً سؤال می‌شود و باید مطالعه و اطلاعات دقیق داشت، مثلاً درباره درب‌ها، مثلاً باب السدره و اینکه چرا بدین نام گذاشته شده یا اینکه حرم چند تا درب داره و اسامی درب‌ها چیست و علت نامگذاری آنها چیست؟!.

لذا برای روحانی کاروان واجب است که بداند و باید اطلاعات کامل داشته باشد.

هرچقدر اطلاعات روحانی درباره اماکن، کاملتر باشد، همراهی زائران بیشتر خواهد بود و برای این کار لازم است روحانی حتماً از قبل خودش برود ببیند و مطالعه زیاد داشته باشد.



درباره مکان‌های مستند و غیر مستند باید جوری صحبت شود که هم قانع کننده باشد و هم زائر رغبت به رفتن نکند. به عنوان مثال چندبار در کاروان‌ها شنیدم که می‌گفتند: بعثه گفته نبرید! مسلماً این نوع گفتن نه تنها قانع کننده نیست بلکه هزار جور شبهه و بدبینی هم ایجاد می‌کند.

ثمرات در دسترس بودن روحانی

یکی از کارهایی که باعث آرامش در کاروان‌های زیارتی مخصوصاً عمره، حج و عتبات عالیات می‌شد در دسترس بودن این حقیر بود. در نتیجه رضایت عمومی کاروان بسیار عالی بود. چون زائران می‌توانستند با سهولت مطالب و نیاز خود را مطرح کنند. چون زائران در طول سفر با پدیده‌های جدیدی مواجه می‌شدند و لازم بود که وظیفه خود را در قبال این پدیده‌ها بدانند و بپرسند و تأیید روحانی برای آنها بسیار مطلوب و آرامش خاصی به آنها می‌داد و گاهی با هم اختلاف می‌کردند که سریعاً به روحانی مراجعه می‌کردند و سخن روحانی فصل الخطاب بود. برای بنده و مدیر کاروان بسیار شیرین و پسندیده بود، مخصوصاً وقتی در لابی هتل حضور داشتم و یک زائر سراسیمه دنبال روحانی می‌گشت که جواب سؤال

خودش را بگیرد یا در هنگام نماز یا زیارت در میان جمعیت خودشان روحانی را می‌دیدند. پس همراهی روحانی یا مداح از کارهای پسندیده است و بستر مناسبی است برای جذب، هدایت و ارتقاء سطح دانش زائران. رها کردن زائر و بدون همراهان به حرم رفتن و به عبادت پرداختن یا به دیدار دوستان رفتن کار صحیحی نیست و نتیجه این همراهی انجام صحیح اعمال و استفاده از فضاهای زیارتی و تأثیرگذاری آن می‌باشد. در همراهی زائران در صحن و حرم مولا علی علیه السلام گاهی روی دیوار روایتی نوشته شده بود که جمع زائران روبروی آن بودند، فوراً از این موقعیت استفاده می‌کردم و روایت را می‌خواندم و ترجمه می‌کردم بسیار اثر گذار بود «المؤمن فی المسجد کالسمک فی الماء و المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس»^۱ تا آخر سفر زائران این مطلب را تکرار می‌کردند و موجب شده بود که یک یادگاری از حرم داشته باشند و از کم حوصلگی که گاهی داشتند برای بیرون رفتن از مکان زیارتی کاسته شود.

۱. در کاشی کاری حرم علی علیه السلام سمت راست ایوان طلا، روی کاشی کاری ورودی شمالی مکتوب شده: قال رسول الله صلی الله علیه و آله المؤمن فی المسجد... سند و منبعی یافت نشد ولی معتبر است و کلام بسیار شایسته‌ای است، شاید کلام علما باشد.

استفاده از ظرفیت‌های روحانی و مداح کاروان‌های

دیگر

یکبار به خیمه گاه رفته بودیم و دیدم یک آقای دارد با صدای قشنگی روضه میخواند، با خودم گفتم اگر بروم کنارش بخوانم، چون صدایش قشنگتر هست، زائران من می‌گویند، کاش مداح کاروان ما اون آقا بود و مسلماً خیلی دل به من نمی‌دهند، برای همین به مداح که تازه شروع کرده بود اشاره کردم که کاروان ما هم از مداحی شما استفاده می‌کند و بعد من هم صحبت می‌کنم. مداح هم خیلی خوشش آمد و استقبال کرد و بعد که تمام شد من چند دقیقه صحبت کردم و این‌طوری همه استفاده کردند و راضی هم بودند.

ولی بعضی‌ها همین را توجه نمی‌کنند و در خیمه گاه هر گوشه یک عده نشسته‌اند و مشغول کار خودشان هستند. یکی با صدای بلند، یکی با صدای بد و هیچ کس هم استفاده لازم را نمی‌برد.

توجیه زائران قبل از بهره‌مندی از ظرفیت‌های

روحانی و مداح کاروان‌های دیگر

زمانی به عنوان روحانی کاروان همراه با کاروانی به

مسجد سهله رفته بودم و در زمان صدام معمولاً افرادی در مسجد سهله و کوفه مستقر بودند که وقتی کاروانی وارد می‌شد نزد آنها رفته و با دریافت مبلغی برای آنها زیارت و ادعیه را می‌خواندند. بعضی از کاروان‌ها خودشان این کارها را انجام می‌دادند و بعضی هم توسط آنها انجام می‌دادند.

این‌طور مواقع بهترین کار این است که بینیم شرایط چگونه است و کدام برای زائر مفید و قابل استفاده است. در آن سفر وقتی وارد مسجد سهله شدم، یکی از روحانیون که بسیار خوش بیان و خوش صدا و از روحانیون معروف هم بود مشغول صحبت و توضیح و خواندن ادعیه بود و چون تازه شروع کرده بود، مصلحت را در این دیدم که برای اینکه مجلس چند تا نشود و زائران هم بتوانند استفاده بیشتری ببرند از مجلس آن روحانی استفاده کنیم و از زائران خواستم که استفاده کنند. در یکی از مقام‌ها همان‌طور که زائران مشغول اعمال بودند، یکی از زائران به فرد کناریش به گونه‌ای که من هم بشنوم گفتم:

بعضی‌ها همراه ما و به بهانه ما و برای ما می‌آیند ولی کارشان را انجام نمی‌دهند و بر عهده دیگری می‌اندازند و مشغول کار خودشان می‌شوند!



وقتی این را شنیدم، چون زمان و موقعیت مناسب برای توضیح و بیان مصلحتی که من می‌دانستم و او نمی‌دانست نبود و برای اینکه سوء تفاهم ادامه پیدا نکند، بقیه اعمال و دعاها را خودم قرائت کردم ولی بعد در یک فرصت مناسب در جای مناسب علت را برای همه توضیح دادم و اینکه مقصود، استفاده بیشتر زائران بوده است.

اعمال مسجد کوفه با نشاط و حالت معنوی اجرا می‌شد.

در سفری که با تعداد زیادی زائر قمی که مکرر مشرف شده بودند همراه بودم. احساس کردم نوعی کراهت نسبت به اعمال مسجدین دارند و قصد دارند با کاروان همراهی نکنند وقتی برنامه رفتن به آنجا مطرح شد بعضی تمایل نشان نمی‌دادند و برای بنده بسیار تلخ بود که نسبت به این مکان‌های فخیم و مبارک مثل مسجد کوفه چنین خاطره تلخی در ذهن زائر ایجاد شده که نتیجه سخت‌گیری‌های دوستان قبلی بوده که شیرینی و لذت عبات در این مساجد را از آنها گرفته است. لذا در جمع آنها خیلی آرام و کوتاه و دلنشین بیان کردم. گفتم ببینید دوستان در انجام مستحبات انسان باید به ظرفیت‌های روحی خود توجه کند و اگر نشاط لازم همراه با اقبال قلبی و روحانی در خود نمی‌بیند بهتر است عمل مستحبی را کوتاه و مختصر یا حتی ترک کند. با صراحت درباره

اعمال مسجدین اعلام کردم که مستحب است و هر جا شما خسته شدید می‌توانید از کاروان جدا شوید و در گوشه‌ای استراحت کنید یا از بخش‌های مسجد دیدن کنید. در خلال آن به توصیف مکان‌های خاص مسجد پرداختم برایشان خیلی جالب بود. بعد از بیانات همگی علاقمند شدند ما را همراهی کنند آن سفر بهترین برنامه را در مسجد کوفه داشتیم و برنامه با نشاط و استقبال خاص زائران انجام شد. علت این که با نشاط اجرا شد این بود که قبلاً درباره مسجد و مکان‌های خاص و فضیلت آن توضیح داده بودم و زمانی که به مقامات می‌رسیدیم تکمیل می‌کردم و برخی از مناسبت‌های مسجد در آن مکان‌ها را شرح می‌دادم، از قبیل دکه القضاء، بیت الطشت، دکه المعراج، محل کشتی نوح و ... و تاریخ‌های مستند و جالب توجه بیان کردم که موجبات رفع خستگی و انبساط خاطر و رشد و ارتقای فکری و معنوی همراهان می‌شد. در پایان زائران اعلام کردند با اینکه چندین مرتبه مشرف شدیم با این نشاط و شادابی و حالت معنوی اعمال مسجد کوفه را انجام نداده بودیم و قول گرفتند که اعمال مسجد سهله هم به همین گونه اجرا گردد که به قولمان عمل کردیم. هنوز هم زنگ می‌زنند و از خاطرات اعمال مسجد کوفه تعریف می‌کنند و می‌گویند دیگر تکرار نشد.